



ارزیابی نابرابری جنسیتی در آموزش و اشتغال زنان و تحلیل عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای پیراشهری تبریز)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

صفحات: ۱۵۶-۱۳۱

ابوالقاسم تقی زادفانید؛ استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
محسن آقاییاری هیر؛ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
سحر احمدزاده نقده؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

نابرابری جنسیتی، موضوعی بسیار مهم در زمینه توسعه جوامع روستایی تلقی می شود، که طبق گزارش بانک جهانی دستیابی به برابری جنسیتی برای اقتصاد کشورها بسیار ضروری است. در این خصوص هویت دادن و استقلال بخشیدن به زنان و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آنها در امور مختلف اقتصادی - اجتماعی ضروری می نماید. براین اساس، هدف پژوهش حاضر طبقه بندی روستاهای حریم کلانشهر تبریز از نظر نابرابری جنسیتی و شناسایی بیشترین عامل اثرگذار بر روی این نابرابری می باشد. این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری براساس آخرین حریم مشخص شده برای کلانشهر تبریز، ۳۶ روستا می باشد که از این میان ۴۵ روستا در سال ۱۳۹۵ دارای سکنه بوده و به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده و به صورت تمام شماری مدنظر قرار گرفتند. داده های مورد نیاز از مطالعات اسنادی و آمارنامه ها استخراج و تحلیل گردیدند. نتایج ارزیابی شاخص ها در روستاهای مورد مطالعه طی دو دوره (۹۵-۱۳۸۵) با استفاده از مدل ویکور حاکی از این است که روستای الوار علیا با برخورداری از شرایط اجتماعی - اقتصادی مناسب نسبت به سایر روستاهای مورد مطالعه از نابرابری جنسیتی پایینی (با امتیاز ۱) برخوردار است. در مقابل روستای کر جان با کسب امتیاز ۰/۰۰ از این منظر در شرایط نامطلوبی نسبت به سایر روستاها قرار دارد. همچنین نتایج به دست آمده از رگرسیون وزنی جغرافیایی نشان دهنده آن است که فاصله از جاده اصلی، برخورداری از زیرساخت آموزشی،

چکیده

واژه های

کلیدی:

عدالت جنسیتی،

نابرابری

جنسیتی،

آموزش و

اشتغال زنان،

روستاهای

پیراشهری،

تبریز.

^۱ E- Mail: dr.fanid.2021@gmail.com

نحوه ارجاع به مقاله:

تقی زادفانید، ابوالقاسم آقاییاری هیر، محسن احمدزاده نقده، سحر. ۱۴۰۳. ارزیابی نابرابری جنسیتی در آموزش و اشتغال زنان و تحلیل عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای پیراشهری تبریز). مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۱۱(۶): ۱۵۶-۱۳۱.



فاصله از شهر تبریز و بالا بودن درصد اشتغال روستایی به ترتیب با کسب امتیاز ۰/۷۱۲، ۰/۶۹۶، ۰/۶۹۱ و ۰/۶۴۷ بیشترین عوامل اثرگذار بر روی نابرابری‌های جنسیتی بوده‌اند.

مقدمه

امروزه نقش تعیین‌کننده نیروی انسانی در توسعه کشورها بر کسی پنهان نیست، چراکه نیروی انسانی سهم اصلی را در میان عوامل تولید (یعنی سرمایه، نیروی انسانی، منابع طبیعی و ثروت خدادادی، مدیریت و تکنولوژی) برای رشد و توسعه برعهده دارد (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۵۶). به عبارتی می‌توان گفت که انسان‌ها مهم‌ترین منبع توسعه‌اند و نیمی از این منابع انسانی در جوامع را زنان شکل می‌دهند. بنابراین، پرداختن به نقش آن‌ها در روند توسعه جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است (keyghobadi., 2023: 2960).

جهت تحقق توسعه پایدار نیاز است زنان حضور و نقش فعالی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی داشته باشند. ازاین‌رو، رویکرد جنسیتی و مشارکت اجتماعی زنان در توسعه پایدار و افزایش فرصت‌های عمومی برای نقش‌آفرینی آنان، باید در زمینه برنامه‌ریزی توسعه پایدار مطرح شود (حیدری، ۱۳۹۷: ۱۰۰). از سوی دیگر، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بیان می‌کند که برابری جنسیتی نه تنها یک «ضرورت اخلاقی» است، بلکه کلید ایجاد اقتصادهای قوی‌تر، پایدارتر و فراگیرتر است. این سازمان برای مبارزه با این نابرابری‌ها در همه حوزه‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی پیشنهاد می‌کند (Zajda., 2022: 45). علاوه‌براین، مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان (توانمندسازی اقتصادی) نیز تأکید می‌کند که مشارکت بیشتر زنان در اقتصاد، نرخ فقر را کاهش داده و با افزایش میزان دسترسی زنان روستایی به منابع تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی را ارتقاء می‌دهد (Waltz., 2016: 31).

براین اساس، نه تنها توانمندسازی زنان برای آنان اهمیت دارد، بلکه برای پیشرفت جامعه نیز مهم می‌باشد (Waltz., 2016: 31). حال، برای دستیابی به توانمندسازی، نیاز به یادگیری و ظرفیت‌سازی افراد است تا به آن‌ها اجازه آزادی عمل و انتخاب را بدهد (Vasconcellos & Vasconcellos, 2009: 137). به عبارتی دیگر، تحصیلات عالی زنان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌هایی است که یک کشور می‌تواند برای مردم و آینده خود انجام دهد زیرا زنان تقریباً نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند (Mahrouzadeh., 2019: 23).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین تحولات چشمگیر در دو دهه اخیر، اهمیت و ضرورت حضور زنان در جامعه می‌باشد که این تحولات باعث گردیده که کاهش نابرابری‌های جنسیتی جزء لاینفک فرآیند توسعه باشد (خسروی‌پور و فروشانی،

۱۳۹۰: ۵۶). باین حال، شکاف قابل توجهی در رابطه با «جنسیت» وجود دارد که به نقش‌ها و کنش‌های اجتماعی و فرهنگی که در تمدنی خاص به «مردان» و «زنان» نسبت داده می‌شود. با توجه به جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، جنسیت یک رابطه قدرت بین زن و مرد است که در آن مردان برتر از زنان تلقی شده‌اند. برای دستیابی به برابری، هر دو جنس باید شانس مساوی برای استقلال مالی، رشد فردی و آموزش داشته باشند (Singh et al., 2023: 2). به‌طوری که، اهمیت شمول زنان به‌عنوان عاملان و ذینفعان توسعه و درک خسارتی که تبعیض جنسیتی به روند توسعه پایدار وارد کرده و می‌کند، توجه به نابرابری جنسیتی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه مطرح می‌کند (باستانی و خسروی دهقی، ۱۳۹۸: ۳۴). همچنین، موضوع نابرابری مفهوم جدیدی نیست، بلکه بخشی از سیاست جهانی بوده و توجه رهبران سراسر جهان را به خود جلب کرده است. این مطالعه نیز بر روی نابرابری جنسیتی تمرکز دارد زیرا بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به عبارتی، نابرابری جنسیتی به‌عنوان یک رفتار تعصب‌آمیز با افراد به دلیل درک‌های متفاوت از این مسئله، تنها در قالب مسائل جنسیتی تعریف می‌شود (Akintnde & Othman., 2023: 1).

اگرچه اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی یکی از ضرورت‌های الزام اقتصادی در تاریخ پیشرفت جوامع بشری بوده ولی در ایران تعادل قابل قبول و مطلوبی بین مردان و زنان در این عرصه در فعالیت‌های گوناگون صورت نگرفته است و این شرایط به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور از زمان‌های گذشته تا به حال مربوط می‌شود. مطالعه انجام‌شده در مورد وضعیت کار روزانه و اشتغال زنان روستایی در ایران نشان می‌دهد جنسیت متغیر مهمی در تعیین نقش، مسئولیت، محدودیت، فرصت، درآمد، هزینه و منافع زندگی می‌باشد (حاجیلو و دادور خانی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). همچنین براساس گزارش شکاف جنسیتی (۲۰۲۱) مجمع جهانی اقتصاد، ایران از میان ۱۵۶ کشور رتبه ۱۵۲ را در شاخص کلی شکاف جنسیتی کسب کرده و نیز میزان شکاف جنسیتی در زیرشاخص «برابری دستمزد برای کار مشابه» در کشور تقریباً ۴۲ درصد است (زبیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۶).

این واقعیت که مردان به‌طور متوسط دستمزد بالاتری نسبت به زنان دریافت می‌کنند، اصولاً توسط دو عامل اصلی تحلیل شده است: ۱) شکاف جنسیتی در بهره‌وری (ناشی از سطوح پایین‌تر سرمایه انسانی زنان و تلاش برای کار) و ۲) تبعیض جنسیتی (Ponthieux & Meurs, 2015: 1006). از سوی دیگر، با در نظر گرفتن این مسئله که دستمزد زنان تنها ۱۰ درصد درآمد جهان را پوشش می‌دهد؛ با این حال که زنان روستایی در همه فعالیت‌های روزانه از جمله دامداری، فرشبافی، شالبافی، کشاورزی، پرورش ماکیان، تولید لبنیات، ظروف و صنایع دستی و ... همراه مردان علاوه بر امور بچه‌داری، خانه‌داری و همسرمداری انجام می‌دهند و از این بابت، درآمدی منطبق با زحمت و فعالیت‌هایشان دریافت نمی‌کنند. از این رو، توانمندسازی زنان، حمایت از آنان، آموزش و مهارت‌آموزی به آنان به‌عنوان گروهی مؤثر در جامعه و نیز انتقال‌دهنده فرهنگ و ارزش‌ها به نسل‌های بعد، امری ضروری است که باید در برنامه‌ریزی‌های تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گیرد تا برابری جنسیتی تحقق یابد و در نهایت اجتماع محلی به توسعه پایدار دست یابند (بزی و رئیس، ۱۳۹۱: ۴).

برای رسیدن به توسعه پایدار همه‌جانبه نیازمند از بین رفتن تبعیض‌ها و برقراری برابری‌های آموزشی، اشتغال، مشارکتی، قومی، نژادی، جنسیتی، فرهنگی و ... است. در ایران نیز در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سایر اسناد بالادستی، یکی از اقتضائات مهم برای تبدیل شدن به یک کشور توسعه‌یافته، ارتقاء شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی و نیز الگویی برای موفق بودن در توسعه پایدار مورد تأکید است؛ سعی در کاهش نابرابری‌های جنسیتی و توجه اصولی به جایگاه زنان در جوامع است. حال با توجه به مباحث گفته‌شده منطقه مورد مطالعه از این شرایط مستثنی نیست و نیازمند بررسی میزان آموزش (سطح سواد) و اشتغال زنان و میزان مشارکت اقتصادی آن‌ها به‌خصوص در مناطق روستایی محدوده مورد مطالعه می‌باشد، درست است مطالعات چندی در این زمینه صورت گرفته اما بایستی براساس شرایط موجود در هر منطقه، راهکار متناسب با آن شرایط در نظر گرفته شود. مقاله حاضر به بررسی میزان نابرابری جنسیتی در هریک از روستاهای محدوده مورد مطالعه پرداخته و همچنین به بررسی اینکه کدام عامل بیشترین اثرگذاری را بر روی نابرابری جنسیتی دارد؛ پرداخته و سرانجام تلاش نموده که براساس نتایج به‌دست آمده، راهکارهایی در جهت برابری جنسیتی و درنهایت دستیابی به توسعه پایدار ارائه نماید. علاوه بر مباحث بیان‌شده، یکسری ضرورت‌ها در راستای تحقیق وجود دارد که به‌صورت موارد زیر جمع‌بندی شده است:

- توجه به اشتغال زنان به‌عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار؛
 - عدم برابری جنسیتی در آموزش منجر به عدم اعتماد به نفس، احساس حقارت و خودکم‌بینی در بین زنان؛
 - امکان کار بهتر و منظم‌تر زنان در برخی فعالیت‌ها؛
 - آموزش زنان به‌عنوان مادران جامعه و همچنین به‌عنوان اولین آموزش‌دهندگان فرهنگی نسل آینده؛
 - پیشبرد سریع توسعه با کاهش نابرابری‌های جنسیتی و ایجاد اشتغال برابر؛
 - کاهش و از میان بردن تبعیض و بی‌عدالتی سیستماتیک در مورد زنان؛
- در ادامه به بررسی پژوهش‌های پیشین پرداخته‌شده تا سیر تحول تحقیقات در این زمینه به‌دست آمده آید (جدول ۱).

جدول ۱. پیشینه پژوهش

شماره	نام نویسندگان و سال	روش تحقیق و نتیجه‌گیری
۱	عطارزاده (۱۳۸۸)	روش مروری؛ نتایج نشان‌دهنده این است که مناسب‌ترین راه برای رسیدن به عدالت جنسیتی پذیرش نقش اجتماعی زنان همراه با توانمندی‌های آنان در حوزه خصوصی است که زمینه‌ساز سیاست با جنسیت می‌باشد.
۲	خانی (۱۳۸۹)	روش توصیفی - تحلیلی؛ نتایج حاکی از آن بود که منابع منتشرشده در جهان، نابرابری‌های جنسیتی موجود را تأیید نموده و کلید اصلی آن را عوامل اجتماعی می‌دانند.
۳	بخارای و یزدخواستی (۱۳۹۳)	روش پیمایشی و پرسش‌نامه‌ای؛ نتایج نشان می‌دهد که نابرابری‌های جنسیتی با باورهای اعتقادی، سطح تحصیلات زنان و درآمد ماهانه خانواده ارتباط قوی دارد. همچنین نابرابری جنسیتی با جامعه‌پذیری جنسیتی و ایدئولوژی مردسالاری همبستگی دارند. در تحلیل مسیر مشخص شد، متغیرهای اصلی شامل باورهای اعتقادی قالب، درآمد و تحصیلات و متغیرهای واسطه شامل جامعه‌پذیری جنسیتی و ایدئولوژی مردسالارانه هستند.
۴	جعفری‌نیا (۱۳۹۸)	روش پیمایشی؛ نتایج نشان داد که به‌ازای هر واحد افزایش در عدالت جنسیتی به اندازه ۰/۰۶۷ و به‌ازای هر واحد افزایش در عدالت اجتماعی به اندازه ۰/۱۲۹ درصد بر میزان نگرش نسبت به مردم‌سالاری افزوده خواهد شد. ۴۲٪ از تغییرات نگرش به مردم‌سالاری می‌تواند توسط این دو متغیر مورد تبیین قرار گیرد. همچنین بین این دو متغیر با نگرش زنان بوشهری به مردم‌سالاری رابطه معنی‌داری برقرار است. به‌علاوه با توجه به این دو متغیر در زمینه پست و مقام، در حال حاضر در کشور، زنان پیشرفت زیادی داشته‌اند اما جایگاه آنان در پست و مقام کمتر قابل‌رؤیت است.
۵	عزیزی (۱۳۹۹)	توصیفی - تحلیلی؛ نتایج برآمده از تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن است که برخی از تجربه‌های زنان و مصادیق نابرابری در این دو عرصه تاحدی با یکدیگر متفاوت است و نوع رشته تخصصی و تعداد بیشتر زنان در گروه‌های آموزشی علوم اجتماعی، در ایجاد حساسیت جنسیتی و اشتغال

شماره	نام نویسندگان و سال	روش تحقیق و نتیجه گیری
		بیشتر در پست‌های اجرایی مؤثر است. درعین حال، تعداد مسائل ابرازشده مشترک میان این دو گروه بیشتر از وجوه تمایزشان است، اما ماهیت رشته و تجربه‌های متفاوت در هر یک از این فضاها منجر به ارائه راهکارهای متفاوتی برای مقابله با تبعیض جنسیتی از سوی این دو گروه شده است.
۶	اونز و همکاران (۲۰۰۰)	روش توصیفی- تحلیلی؛ نتایج حاکی از آن است که گرایش جنسیتی روش عملی است که با هر دو جنسیت متفاوت رفتار می‌شود و در مدارس این ویژگی‌ها در چگونگی تشویق دانش آموزان، نحوه پاسخ‌دادن معلم به آنان و نحوه نمایش نقش‌های جنسیتی در کتب درسی نشان داده می‌شود. در دوره دبیرستان دختران در فرآیند جامعه‌پذیری خود را با تعاریف چهارچوب زن بودن ادامه می‌دهند و همچنان دوباره جنس‌گرایی به صورت پنهان تولید می‌شود. بیشتر تأکیدات روی موردپسند بودن زنان سو پیدا می‌کند نه باهوش بودن آنان یا آن‌ها تنها در برخی از رشته‌ها توان تحصیل دارند یا زنان باید بیشتر به فکر اندام خود باشند نه به فکر تحصیل کردن؛ در نتیجه فعالیت آموزشی، پسران آشکارا بهتر و بالاتر از دختران قرار می‌گیرد.
۷	هانداراگاما و همکاران (۲۰۱۳)	روش توصیفی- تحلیلی؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تغییر جایگاه زنان از فعالیت تولیدمندی به تولیدی، تغییرات زیادی در جوامع روستایی ایجاد نموده است. از این رو، در اقتصاد خانواده، زنان نقش مهمی دارند و نیز زنان می‌تواند رفاه اقتصادی خانواده را پایه‌گذاری نمایند. در کار مزدی، کشاورزی، بخش‌های خصوصی و دولتی و بنگاه‌ها مشغول به کار می‌شوند و به علت توان اقتصادی، جایگاه و قدرت مناسبی برخوردار می‌گردند. بیشتر این زنان در بخش‌های خصوصی کار می‌کنند. با وجود برخورداری زنان از قدرت اقتصادی، همچنان مردان مالکیت دارایی‌ها و رهبری خانواده را برعهده داشتند. لیکن، زنان (شاغل/ بیکار) نقش مهمی در توسعه روستایی داشتند. با این وجود، برای ارتقاء سهم اقتصادی زنان نیازمند افزایش فرصت‌های آموزشی و فنی و نیز زیرساخت‌ها هستیم.
۸	داراز و همکاران (۲۰۱۸)	روش توصیفی- تحلیلی؛ با توجه آزمون‌های صورت گرفته نابرابری جنسیتی در آموزش به عنوان یک متغیر درون‌زا است و نشان می‌دهد که می‌توان آن را تا حد زیادی با ترجیح فرهنگی- مذهبی و عوامل منطقه‌ای تبیین کرد. از این مطالعه نتیجه‌گیری می‌شود که نابرابری جنسیتی در تحصیلات باعث کاهش درآمد سرانه انسان می‌شود. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که برای بهبود توسعه انسانی در زمینه تولید سرانه، آموزش زنان باید از طریق حذف نابرابری در متن و با کاهش عوامل اجتماعی- فرهنگی بهبود یابد.
۹	ماهورزاده (۲۰۱۹)	روش توصیفی- تحلیلی؛ نتایج نشان‌دهنده آن است که در دوسوم کشورهای اسلامی، مردان بیشتری در مقایسه با زنان در تحصیلات عالی هستند. با در نظر داشتن مقایسات گذشته می‌توان دریافت که زنان بیشتری در رشته دانشگاهی مرتبط با علوم طبیعی و انسانی بهزیستی و سلامت در حال تحصیل‌اند و همچنین یک عدم تعادل جنسیتی به نفع زنان در سطح عالی، به صورت قابل توجهی کاهش می‌یابد. پس، اگر جوامع مصمم به دستیابی به مجموعه بعدی اهداف توسعه هستند، باید برابری جنسیتی را مورد توجه قرار دهند.
۱۰	آکوروکو و همکاران (۲۰۲۱)	روش توصیفی- تحلیلی؛ نتایج حاکی از آن است که مداخله نوآورانه که می‌تواند تغییر روابط جنسیتی و توانمندسازی زنان را سبب شود. این امر، در صورتی می‌تواند محقق گردد که مداخله در چارچوبی اجرا شود که منافع جنسیتی استراتژیک، از جمله مسائل مربوط به وضعیت مردان، دسترسی عادلانه به منابع تولید خانوار، بهبود ظرفیت عمل و دسترسی به قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری را در برگیرد.

^۱Handaragama et al.^۲Daraz et al.,^۳Mahrouzadeh^۴Akurugu et al.

شماره	نام نویسندگان و سال	روش تحقیق و نتیجه‌گیری
۱۱	کیم ^۱ (۲۰۲۱)	روش توصیفی- تحلیلی؛ یافته‌های تحقیق نشان داد که پنج مدل بر نابرابری جنسیتی و نرخ باروری مدل مرتبط باقابلیت تأثیر می‌گذارند، بیشترین نابرابری را در تحلیل‌های سطح کلان بود. با توجه به تحلیل‌های سطح خرد، ادراک مدیران کسب‌وکار از مدل مرتبط با نهاد غیررسمی به‌طور قابل‌توجهی مانع برابری جنسیتی شد. ۱۱ عامل در پنج مدل تأثیرات قابل‌توجهی بر کشورهای غیر OECD داشتند که بر ضرورت مداخلات دولت در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و اصلاحات نهادی برای کشورهای غیر OECD تأکید می‌کند. درصد اشتغال کل (کارکنان) مدل مربوط به معیشت در همه سطوح تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این یافته‌ها نقش حیاتی در توانمندسازی مالی و مؤسسات و همچنین روابط متقابل با نهادهای رسمی و غیررسمی را برجسته می‌کنند. براساس نتایج، پیامدهای کلیدی سیاست، انجام اصلاحات سیاسی برای تضمین حقوق برابر، از جمله دسترسی برابر به منابع و تغییر نهادهای رسمی و غیررسمی مبتنی بر جنسیت است.
۱۲	کیم (۲۰۲۲)	روش توصیفی- تحلیلی؛ نتایج نشان می‌دهد که چگونه نهادهای غیررسمی بر افکار و دیدگاه‌های افراد پیرامون خود بدون در نظر گرفتن جنسیت یا سطح اجتماعی-اقتصادی شکل می‌دهند و بر آن تأثیر می‌گذارند. بنابراین، انجام اقدامات عمده برای تغییر نگرش مردم نسبت به مسائل جنسیتی حیاتی است. براساس نتایج، مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی پیشنهاد می‌شود: معرفی مشارکت شهروندان برای افزایش شفافیت و مبارزه با فساد، اجرای کمپین‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی با استفاده از بسترهای رسانه‌ای مختلف، افزایش همکاری با سازمان‌ها و آژانس‌های بین‌المللی برای راه‌اندازی مکانیسم‌های مناسب مرتبط با جنسیت و تضمین دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها.
۱۳	سینگ و همکاران ^۲ (۲۰۲۳)	روش توصیفی- تحلیلی؛ این مطالعه یک سوگیری جنسیتی در هزینه‌های آموزشی علیه زنان در طول دوره مطالعه در هند را کشف کرده است. علاوه بر این، مشخص شد که تبعیض جنسیتی علیه دانش‌آموزان دختر در حال کاهش است. عواملی مانند سن، مذهب، کاستی‌ها، MPCE (مقدار درآمد)، نوع موسسه، ثبت‌نام فعلی و نوع تحصیلات عامل این تفاوت جنسیتی هستند.
۱۴	کی‌قبادی ^۳ (۲۰۲۳)	روش توصیفی- تحلیلی؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی بسیار زیاد است و بین کلیشه‌های جنسیتی و نابرابری، پابندی به ایدئولوژی مردسالارانه یا هنجارهای اجتماعی و نابرابری همبستگی وجود ندارد. نابرابری و تحمل جنسیتی در این ارتباط وجود دارد.

منظور از واژه «جنسیت» به نقش‌های اجتماعی متفاوت میان مردان و زنان گفته می‌شود (میرویسی نیک، ۱۳۹۴: ۵۱) که در شرایط زمانی و مکانی گوناگون تغییر می‌کند (مظفری، ۱۳۹۴: ۱۲۷). جنسیت یک مفهوم اجتماعی است که از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت است و نیز می‌تواند تکامل یابد. جنسیت بر نحوه عمل و ارتباط افراد، نحوه نگرش آن‌ها به خود و سایر افراد و نحوه توزیع قدرت و منابع در جامعه تأثیر می‌گذارد. نقش‌هایی که افراد و گروه‌ها بر عهده می‌گیرند، نحوه ارتباط آن‌ها با دیگران و روش‌های پیچیده رسمی‌سازی جنسیت در جامعه، همگی به طیف وسیعی از نحوه تفسیر، تجربه و بیان افراد و گروه‌ها کمک می‌کنند (Mani & Antony Raj, 2023: 199-200).

در دهه سوم، توسعه برنامه‌های اقتصادی، رشد فعالیت زنان به سطح بالایی رسید و به زنان به خاطر توانایی آن‌ها در تولید و درآمد توجه شد (فال سلیمان و حجی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۴). ولی بعد از گذشت مدتی از اجرای پروژه‌های زنان در

^۱Kim

^۲ Singh et al.

^۳keyghobadi

توسعه، این نتیجه حاصل شد که در نظر گرفتن زنان به عنوان گروه هدف، به تنهایی و بدون توجه به موقعیت مردان و وادار ساختن آنان به مشارکت و همراهی زنان نمی تواند موفق باشد (خانی، ۱۳۸۹: ۱۳). پس در راستای رفع نواقص این رویکرد، «جنسیت و توسعه» (G.A.D) باهدف، نگاهی به ارتباطات و تقابلات اجتماعی بین زن و مرد، بستر و ساختار مؤنث و مذکر بودن مطرح شد (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

از سوی دیگر، یکی از ۱۷ هدف توسعه پایدار سازمان ملل، دستیابی به حقوق و فرصت های برابر برای زنان و مردان در تمامی عرصه های اجتماعی، رفع تبعیض جنسیتی و اعمال تدابیر ویژه برای برقراری تعادل بین توانایی زنان و مردان برای برخورداری از حقوق برابر است (Chornodon et al., 2022: 123). با این حال، نابرابری جنسیتی نه تنها به دلیل سلب یک حقوق اولیه انسانی، بلکه به دلیل شواهدی که نشان می دهند جامعه هزینه های هنگفتی را متحمل می شود، نیاز است، این موضوع در خط مقدم بحث های سیاسی قرار گیرد. به همین دلیل است که سازمان های معتبر بین المللی مختلف بر اهمیت ریشه کنی این مشکل جهانی تأکید کرده اند (Akintnde & Othman., 2023: 1).

همواره در این راستا، یکی از دغدغه های اصلی در عرصه آموزش، برابری در آموزش و پرورش بوده است. نابرابری در آموزش به طرق مختلف، عمدتاً بین مناطق روستایی و شهری و جنسیت آشکارا وجود دارد (Zhao., 2022: 831). علاوه بر این، نابرابری جنسیتی در آموزش به تأثیرگذارترین نابرابری کلی جنسیتی تبدیل شده است. چرا که نابرابری در زمینه تحصیلی بین زن و مرد بر نابرابری جنسیتی در محیط کار، موقعیت، نقش در جامعه و همچنین آزادی بیان تأثیر می گذارد. همچنین، شواهد تجربی زیادی وجود دارد که نشان می دهد تبعیض آموزشی علیه زنان مانع رشد اقتصادی و تشدید نابرابری اجتماعی می شود؛ که تلاش برای کاهش شکاف جنسیتی در آموزش با گسترش فرصت های تحصیلی برای زنان، از نظر اقتصادی بسیار سودآور است (Badriah & Istiqomah., 2022: 1). در این راستا نیز، جامعه بشری کارهای زیادی برای کاهش شکاف جنسیتی در زمینه های بهداشتی و آموزشی انجام داده است، اما هنوز با ایجاد درآمد برابر برای زنان و مردان فاصله زیادی دارد (Gurieva et al., 2022: 66). در این زمینه، بانک جهانی بیان نمود که سرمایه گذاری در توانمندسازی زنان می تواند به عنوان یک اقتصاد هوشمند ترویج یابد و همچنین به عنوان یک استراتژی اقتصادی معقول برای دستیابی به توسعه پایدار باشد (Rietveld et al., 2020: 153).

با این حال، منظور از عدالت جنسیتی، رفع موانع فرهنگی، سنتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که بیش از آنکه در واقعیت های وجودی و بیولوژیک زنان ریشه داشته باشند، ساخته تاریخ و اجتماع هستند و تصویری فرودست از زن ارائه می کنند. با این تعریف ها، عدالت جنسیتی بر مبنای «برابری جنسیتی» استوار می شود و می توان برابری جنسیتی را اصل اولیه عدالت جنسیتی و نقطه مقابل نابرابری جنسیتی قلمداد کرد. نابرابری جنسیتی، برخورد یا عمل تبعیض آمیزی است که بر اساس جنسیت بر زنان روا داشته می شود و به توزیع نابرابر امکانات، تحقیر، طرد و کلیشه بندی آنان می انجامد (میروسی نیک، ۱۳۹۴: ۵۱). اگر در تعریف عدالت، رویکرد عدالت استحقاقی را بپذیریم، عدالت جنسیتی را می توان چنین معنا کرد: «عدالت جنسیتی به معنای رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است، به گونه ای که در حق هیچ کدام ستم یا اجحافی نشود». لیکن این تعریف در میان قائلان به عدالت مساواتی جایگاهی ندارد، چرا که آن ها امکاناتی کاملاً برابر و مساوی برای تمامی انسان ها در نظر گرفته و تفاوت را به

معنای «تبعیض» می‌دانند. برابری خواهان لیبرال، عدالت جنسیتی را برابری در حق انتخاب و دسترسی یکسان به تمام امکانات می‌دانند، به‌طوری که هیچ تفاوتی در حق دسترسی برای افراد وجود نداشته باشد (قاسمی و جمالو، ۱۳۹۸: ۸۱). همچنین، اشتغال زنان، از دیدگاه مدافعان برابری حقوق زنان و مردان، موجب افزایش قدرت آن‌ها و تضعیف نابرابری‌های جنسیتی می‌شود و از دیدگاه اقتصاددانان، افزایش اشتغال زنان با افزایش سرمایه‌ی انسانی رابطه‌ی مستقیم دارد و می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشور محسوب شود (جوادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۹). براساس نظریه‌های موجود در زمینه عدالت جنسیتی، تمام نظریه‌ها به گونه‌ای می‌تواند بحث موردبررسی را پوشش دهد ولی نظریه فمینیسم لیبرال که بیشتر تأکید این نظریه بر کنار گذاشتن زنان از دانشگاه، بازار کار و صحنه کارزار عمومی بوده که در نتیجه‌ی آن، استعداد بسیاری از زنان به دلیل همین حذف از شکوفایی بازمانده‌است. در جدول ۲ نظریه‌های بیان شده در زمینه عدالت جنسیتی قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲. نظریه‌های عدالت جنسیتی

نظریه‌های عدالت جنسیتی	توضیحات
نظریه‌های جامعه‌شناسی	لایه‌بندی جنسیتی بومبرگ مبتنی بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید و مقدار تخصیص مازاد تولید (یا ارزش افزوده) به آنان در مقایسه با مردان است.
	نظریه چافتر دربردارنده مجموعه‌ای از الگوها و طرح‌ها برای شرح دادن دو مسئله است: ۱. نیروهای بقای نظام‌های نابرابری جنسیتی؛ ۲. پرداختن به این که چگونه نظام‌های لایه‌بندی می‌توانند دگرگون شوند.
	فروستی زنان در چهارچوب قیدوبندهای قانونی و عرفی مانعی در برقراری برابری جنسیتی است. به‌طوری که جامعه با این طرز تفکر که زنان نسبت به مردان از نظر فکری و جسمی ضعیف‌تر هستند، آنان را از بسیاری از محیط‌ها از جمله بازار کار و دانشگاه دور نموده‌اند و مانع شکوفایی توانایی آن‌ها شده‌اند.
نظریه‌های فمینیسم	به باور فمینیسم مارکسیست ممکن نیست کسی به‌ویژه از میان زنان بتواند در جامعه طبقاتی به فرصت برابر دست یابد. این گروه ادعا دارد که ریشه ستم بر زنان در مالکیت خصوصی آنان است.
	ستم بر زنان محصول نظام مردسالاری است که قدرت، سلطه، سلسله‌مراتب، و رقابت از ویژگی‌های آن است. نظام مردسالار اصلاح‌پذیر نیست و باید آن را ریشه کن کرد.
	فمینیست روانکاوانه ریشه ستم بر زنان را در ژرفای روان آن‌ها نهفته می‌یابند. به باور دویووار، زنان به دلیل دیگر بودن ستم می‌بینند.
	فمینیسم روانکاوانه

منبع: پرومند و رضایی، ۱۳۹۵: ۴۹-۵۱

در این راستا، با ورود زنان به بازار کار، اگر به لحاظ اوضاع و احوال جامعه و همچنین تناسب استعدادهای زنان با مشاغل و برنامه‌ریزی صحیح اتفاق بیفتد، سبب برقراری تعادل در تمام سطوح خانواده، اجتماع و در تمام جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و تربیتی خواهد شد، اما اگر خلاف این مسئله اتفاق بیفتد باید منتظر آسیب‌های فراوان اجتماعی و اقتصادی باشیم؛ آسیب‌هایی که نه تنها به رشد جامعه نمی‌انجامد بلکه چه بسا جامعه را دچار خسران کند (قاسمی و جمالو، ۱۳۹۸: ۹۰). از سوی دیگر، شاغل بودن زنان می‌تواند بر استمرار در آموزش، پیشرفت تحصیلی، سازگاری و سلامتی اجتماعی، استقلال، اعتماد به نفس، خودکارآمدی، مسئولیت‌پذیری و خودباوری تأثیرگذار باشد (رضایی، ۱۴۰۰: ۱۱۰۵) و از جهت دیگر، فعالیت و اشتغال زنان باعث افزایش مشارکت یا نقش بیشتر زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در جامعه یا خانواده می‌شود (Mukhamedova & Wegerich., 2018: 129). که در یک دید کامل و جامع‌تر، از جمله عوامل مهمی که می‌توانند در شدت یافتن نابرابری جنسیتی اثرگذار باشد، عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (صادقلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹). که در این پژوهش به برخی از عوامل اجتماعی

و اقتصادی پرداخته شد ولی عوامل دیگر نیز در ایجاد این نابرابری تأثیرگذار بود. حال در شکل ۱ برخی از این زیرعواملها به صورت موردی، قابل بیان شده است.



شکل ۱. عوامل مؤثر بر تنزل شاخص‌های برابری جنسیتی بین زنان روستایی

منبع: صادقلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین روش تحقیق این مطالعه جهت ارائه درک درست و مناسب از نابرابری جنسیتی بر اشتغال زنان روستایی واقع در حریم کلانشهر، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد موجود، اطلاعات ملزوم بخش‌های مبانی نظری گردآوری شده و داده‌های ثانویه از سالنامه‌های آماری، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و داده‌های موجود در خانه بهداشت تهیه شده و برای استخراج و تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزارهای Arc GIS 10.4.1 و Excel 2021 استفاده شد. در این ارتباط از درون‌یابی (IDW) برای نمایش وضعیت روستاها از نظر شاخص‌های جنسیتی؛ برای بخش وزن‌دهی، از مدل آنتروپی شانون و برای به دست آوردن امتیاز نابرابری جنسیتی از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره و یکور (VIKOR)؛ استفاده شد. همچنین، از روش رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR) برای شناسایی میزان اثرگذاری عوامل بر روی نابرابری جنسیتی استفاده شد. در این قسمت به بررسی مختصری در خصوص هر کدام از روش‌های مذکور پرداخته می‌شود. همچنین، متغیرهای عملیاتی تحقیق با استفاده از شاخص‌های قیدشده در جدول ۳ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

^۱Inverse distance weighting

^۲Vlsekkriterijumsko Kompromisno Rongiranje

^۳Geography Weighted Regression

جدول ۳. شاخص‌های متغیرهای تحقیق

شماره	نام متغیر	شاخص‌ها	روش‌های تحلیل
۱	نابرابری جنسیتی	نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ باسوادی، نرخ اشتغال به تحصیل، نرخ اشتغال ^۱	آنتروپی - ویکور
۲	عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی	میانگین ارتفاع، برخورداری از زیرساخت آموزشی، فاصله از شهر تبریز، فاصله از جاده اصلی، درصد باسوادی روستا، درصد اشتغال روستا، موقعیت طبیعی روستا.	رگرسیون وزنی جغرافیایی

یکی از روش‌های درونیابی جبری، درونیابی (IDW) است و بر مبنای میانگین وزنی و نقاط معلوم که نزدیک به نقاط مجهول هستند، استوار است. تأثیر کمیت موردنظر با افزایش مسافت کاهش می‌یابد و از معکوس فاصله به عنوان وزن نقاط اندازه‌گیری شده در برآورد نقاط مجهول استفاده می‌شود (رابطه ۱) (کشوری و مرزبان، ۱۳۹۸: ۷۱-۷۲؛ جامعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲۹؛ صالحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۶).

$$\lambda_i = \frac{\frac{1}{d_i^p}}{\sum_{i=1}^n \frac{1}{d_i^p}} \quad Z^* = \sum_{i=1}^n \lambda_i Z(x_i) \quad \text{یا} \quad \omega_i(x) = \frac{1}{d(x, x_i)^p} \quad z(x) = \sum_{i=1}^n \left(\frac{\omega_i(x) z_i}{\sum_{j=1}^n \omega_j(x)} \right) \quad (۱)$$

روش آنتروپی، وزنی را برای هر معیار با در نظر گرفتن اهمیت بین معیارها و درون آن‌ها با استفاده از مقدار پاسخ ایجاد می‌کند. تعیین وزن معیار با استفاده از روش آنتروپی به شرح زیر انجام می‌شود:

براساس رابطه ۲ مقادیر نرمال شده را به دست آورید. با توجه به رابطه ۳ مقدار درجه اندازه‌گیری آنتروپی را برای هر معیار محاسبه کنید.

$$k = 1/\log(m) \quad (۴) \quad E_j = -k \sum_{i=1}^n P_{ij} \log(P_{ij}) \quad (۳) \quad P_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sum_{i=1}^m r_{ij}} \quad (۲)$$

درجه انحراف را براساس رابطه ۵ به دست آورده و براساس رابطه ۶ هر معیار را وزن‌دهی کنید (Dang & Dang., 2019: 121؛ krishna et al., 2020: 3).

$$W_j = d_j / \sum d_j \quad (۶) \quad d_j = 1 - E_j \quad (۵)$$

روش ویکور برای حل مشکلات تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. این تکنیک برای بهینه‌سازی چند معیاره پیچیده توسعه داده شده و راه‌حل‌های مصالحه‌ای برای مشکلات ارائه می‌دهد. راه‌حل سازش به معنای توافقی است که با رضایت دوجانبه ایجاد می‌شود. روش ویکور به ترتیب شامل:

نرمال‌سازی ماتریس تصمیم با رابطه ۷، محاسبه معیار مطلوبیت (S_i) با رابطه ۸ است.

$$S_i = \sum_{j=1}^n W_j \left(\frac{(b_{ij})_{\max} - (b_{ij})}{(b_{ij})_{\max} - (b_{ij})_{\min}} \right) \quad (۸) \quad b_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m (a_{ij})^2}} \quad (۷)$$

اندازه‌گیری پشیمانی (R_i) با رابطه ۹ محاسبه می‌گردد. سپس با استفاده از رابطه ۱۰ شاخص ویکور محاسبه می‌شود (Vaid et al., 2022: 2418؛ Dang & Dang., 2019: 121) ($v = 0.5$).

^۱ تمام شاخص‌های مورد بررسی برای هر جنسیت امتیازی جداگانه تعلق گرفت.

^۲ Inverse distance weighting

$$R_i = \max W_j \left(\frac{(b_{ij}) - (b_{ij})_{\min}}{(b_{ij})_{\max} - (b_{ij})_{\min}} \right) \quad (9)$$

$$Q_i = v \left[\frac{(S_i) - (S_i)_{\min}}{(S_i)_{\max} - (S_i)_{\min}} \right] + (1 - v) \left[\frac{(R_i) - (R_i)_{\min}}{(R_i)_{\max} - (R_i)_{\min}} \right] \quad (10)$$

مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی GWR گسترش یافته چارچوب رگرسیون عمومی است. جوهره اصلی GWR به صورت رابطه ۱۱ است:

$$y_i = \beta_0(u_i, v_i) + \sum \beta_k(u_i, v_i) X_{jk} + \varepsilon_i \quad i=1,2,\dots,n \quad (11)$$

برای مجموعه داده‌های مطرح پارامترهای منطقه‌ای $\beta_k(u_i, v_i)$ با استفاده از مراحل حداقل مربعات وزنی تخمین زده می‌شوند. وزن‌های W_{ij} برای $j=1,2,\dots,n$ در هر موقعیت (u_i, v_i) به عنوان تابع پیوسته‌ای از فواصل بین نقاط i و دیگر نقاط داده‌ای به دست می‌آیند. ماتریس آن به صورت رابطه ۱۲ در نظر گرفته شده است:

$$\beta = \begin{bmatrix} \beta_0(u_1, v_1) & \beta_1(u_1, v_1) & \dots & \beta_p(u_1, v_1) \\ \vdots & \vdots & & \vdots \\ \beta_0(u_n, v_n) & \beta_1(u_n, v_n) & \dots & \beta_p(u_n, v_n) \end{bmatrix} \quad (12)$$

این ماتریس، ماتریس پارامترهای منطقه‌ای است. هر سطر از آن با رابطه ۱۳ حاصل می‌گردد:

$$\beta(i) = (X^T W(i) X)^{-1} X^T W(i) Y \quad (13)$$

به طوری که $i=1,2,\dots,p$ نشان دهنده‌ی سطور ماتریس هستند، X ماتریس متغیرهای مستقل است، Y متغیر وابسته است و $W(i)$ ماتریس $n \times n$ وزنی فضایی است که به صورت رابطه ۱۴ و ۱۵ می‌باشد:

$$W(i) = \text{diag}[W_{i1}, W_{i2}, \dots, W_{in}] \quad (14)$$

$$W(i) = \begin{bmatrix} W_{i1} & 0 & \dots & 0 \\ 0 & W_{i2} & \dots & 0 \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ 0 & \dots & \dots & W_{in} \end{bmatrix} \quad (15)$$

تخمین زدن با استفاده از حداقل مربعات صورت می‌گیرد، اما ماتریس وزنی ثابت نیست. از این رو $W(i)$ باید برای هر نقطه i محاسبه شده و W_{ij} تقریبی از هر نقطه داده‌ای در موقعیت i را نشان می‌دهد. نقاط داده‌ای نزدیک به i دارای وزن بیشتری در تخمین پارامترهای $\beta(i)$ نسبت به نقاط دورتر هستند.

توابع وزنی متفاوتی قابل تعریف هستند که متداول‌ترین آن، تابع کرنل گاوسی و تابع وزنی bi-square است. ادامه به توضیحات توابع مذکور پرداخته شده است.

تابع bi-square تعریف شده در نزدیک‌ترین همسایگی برابر است با رابطه ۱۶ می‌باشد:

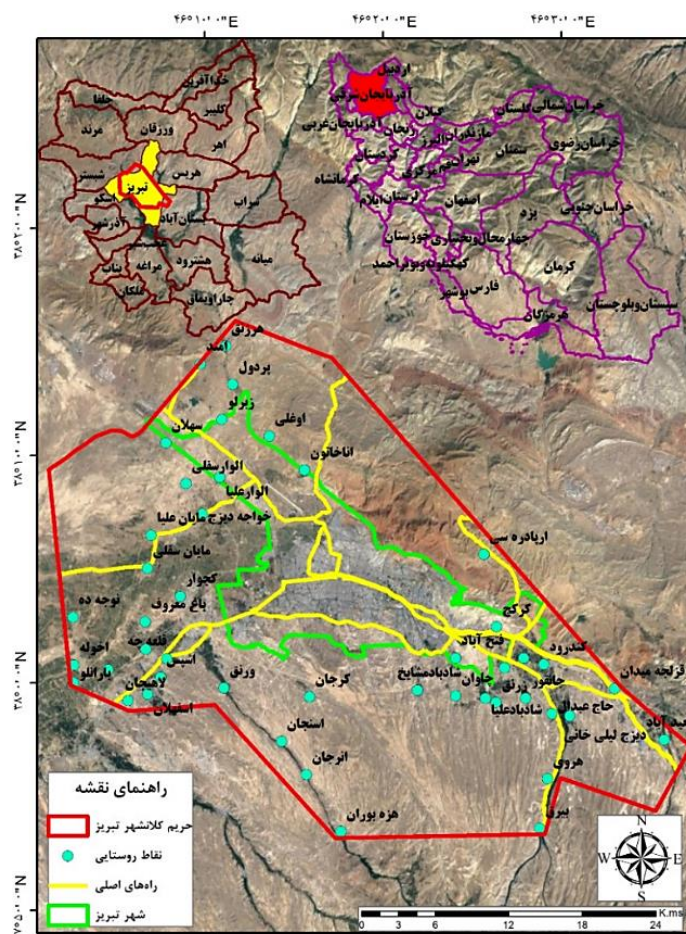
$$W_{ij} = \begin{cases} \left[1 - \left(\frac{d_{ij}}{b} \right)^2 \right]^2 & \text{if } d_{ij} \leq b \\ 0 & \text{if } d_{ij} > b \end{cases} \quad (16)$$

این تابع کرنل در فضا تغییر می‌کند و یک پهنای باند تطبیقی وابسته به چگالی نقاط داده‌ای ارائه می‌دهد، به طوری که یافتن اندازه بهینه N در نظر است (احمدزاده‌نقده، ۱۴۰۰: ۱۱۴).

جامعه آماری تحقیق، تمام روستاهای واقع در حریم کلانشهر تبریز می‌باشند تا بتوان یک ارزیابی کلی از در سطح روستاهای پیراشهری تبریز ارائه نمود. با توجه به آخرین حریم مشخص شده در سال ۱۴۰۰ برای کلانشهر تبریز ۶۳ روستا را شامل می‌شد. از این ۶۳ روستا برخی خالی از سکنه بوده و برخی در اثر ادغام یا تبدیل شدن به شهر به عنوان نقطه

روستایی محسوب نمی‌شدند، حذف گردید. بر این اساس ۴۵ روستا که سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای سکنه بوده و آبادی تلقی شده‌اند موردبررسی قرار گرفتند. سطح تحلیل در این پژوهش، روستاهای پیرامون کلانشهر تبریز و واحدهای مشاهده نیز روستاها هستند که به‌صورت تمام‌شماری موردتوجه قرار دارند.

شهر تبریز دارای مساحت ۲۵۰/۵۶ کیلومترمربع که در مختصات ۳۸ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی ۴۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی است. متوسط ارتفاع شهر حدود ۱۴۶۰ متر از سطح دریا می باشد. از نظر تقسیمات اقلیمی شهر تبریز در گروه اقلیمی سرد قرار دارد (سالکی ملکی، ۱۴۰۱: ۵۷ و ۶۱). همچنین، براساس آخرین سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۹۵ این شهر دارای ۴۹۷۸۹۸ خانوار و ۱۵۵۸۶۹۳ نفر جمعیت است که از این جمعیت ۷۸۶۶۶۱ نفر مرد و ۷۷۲۰۳۲ نفر زن هستند. براین اساس، شاخص نسبت جنسی برابر ۱۰۲ و بعد خانوار برابر ۳/۱ نفر به دست می آید (طاهونی، ۱۴۰۱: ۱۰۹؛ محمدی ترکمانی، ۱۴۰۱: ۱۲۱). به علاوه، در روستاهای واقع در حریم کلانشهر مذکور، ۱۳۱۷۰۸ نفر جمعیت ساکن هستند که ۶۸۳۱۴ نفر مرد و ۶۳۳۹۴ نفر زن می باشد. براساس شکل ۲، حریم مشخص شده برای کلانشهر تبریز در سال ۱۴۰۰، ۶۳ آبادی مشخص شده که فقط ۴۵ روستا دارای سکنه و به عنوان نقطه روستایی تعیین شده است. در سال ۱۴۰۰، میانگین دمای سالانه ۱۳/۹۷ درجه سلسیوس، میانگین بارندگی سالانه ۲۳۳/۳ میلی متر، میانگین رطوبت نسبی ۴۷/۰۸ درصد، تعداد روزهای یخبندان ۹۷ روز و میانگین حداکثر سرعت باد ۱۳/۱۶ متر بر ثانیه می باشد (سالنامه آماری استان آذربایجان شرقی، ۱۴۰۰).



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

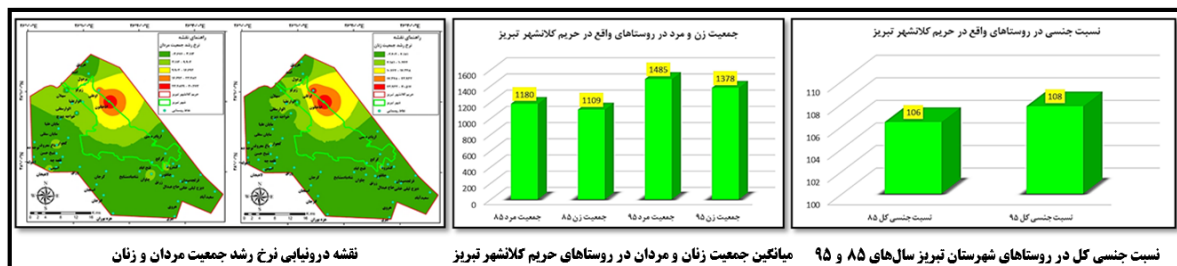
براساس اطلاعات آماری سال ۹۵-۱۳۸۵، جمعیت زن و مرد در روستاهای دارای سکنه در حریم کلانشهر تبریز به صورت جدول ۴ قابل مشاهده می‌باشد. براساس داده‌های جدول مربوطه، بیشترین و کمترین جمعیت زن و مرد در سال ۱۳۸۵ به ترتیب مربوط به روستای کرکج و روستای زیرلو (شهرستان شبستر) است. لیکن در سال ۱۳۹۵، روستای باغ معروف و روستای هرزنگ (شهرستان شبستر) به ترتیب بیشترین و کمترین جمعیت زن و مرد در منطقه مورد مطالعه را دارند.

جدول ۴. جمعیت مردان و زنان سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ در روستاهای حریم کلانشهر تبریز

نام آبادی	سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۵		نام آبادی	سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۵	
	مرد	زن	مرد	زن		مرد	زن	مرد	زن
آخوله	۱۲۲۶	۱۱۲۵	۱۴۸۰	۱۳۴۶	سعیدآباد	۱۶۹۱	۱۵۵۰	۱۸۰۲	۱۲۵۲
آرپادره‌سی	۴۱۸	۳۷۵	۵۴۱	۴۹۲	سهلان	۱۵۲۸	۱۴۹۷	۱۸۷۶	۱۷۸۸
اسپس	۲۸۸	۲۶۴	۳۶۰	۳۳۰	شادآبادعلیا	۹۵۵	۹۲۹	۱۱۲۸	۱۱۰۱
اسفهان	۲۲۶۱	۱۹۹۱	۲۵۹۷	۲۳۴۲	شادآبادمشایخ	۲۲۰۵	۲۱۱۲	۲۸۱۴	۲۷۱۰
اسنجان	۷۵۶	۶۹۵	۹۰۷	۸۳۸	شیخ حسن	۱۱۳۹	۱۱۰۱	۱۲۷۱	۱۲۴۴
الوارسفلی	۱۷۸۴	۱۷۸۳	۳۵۵۰	۳۳۶۶	فتح اباد	۸۰۲	۸۰۸	۷۹۱	۸۲۵
الوارعلیا	۶۷۶	۶۳۳	۹۵۹	۸۰۲	قرلجه‌میدان	۵۴۴	۵۱۰	۵۱۵	۵۰۳
امند	۱۲۵۴	۱۱۳۴	۷۹۳	۸۷۱	قلعه چه	۸۳	۱۰۳	۸۱	۸۲
آناختون	۱۰۶۴	۹۸۸	۴۲۸۵	۴۰۰۳	کجوار	۳۰۲۴	۲۶۳۷	۳۱۷۰	۲۸۳۱
انرجان	۵۱۷	۴۲۷	۴۸۵	۴۲۴	کرجان	۳۱۶	۲۸۶	۲۳۸	۲۳۱
اوغلی	۴۸۰	۳۶۲	۱۳۴۸	۱۳۰۳	کرکج	۴۲۱۴	۴۰۱۴	۴۳۹۹	۴۰۹۷
بارانلو	۵۸۲	۵۸۷	۶۴۷	۵۹۵	کندرود	۳۴۹۶	۳۲۶۲	۴۴۲۷	۴۰۹۱
باغ معروف	۴۱۰۶	۳۸۵۵	۶۲۹۱	۵۷۷۷	لاهیجان	۱۹۷۵	۱۷۳۹	۲۸۹۷	۲۵۳۳
باغ یعقوب	۲۶۱	۲۵۴	۴۲۲	۳۹۳	مایان سفلی	۳۲۷۹	۳۱۲۴	۳۴۱۷	۳۱۷۹
بیرق	۱۹۲۰	۱۷۸۳	۱۸۳۴	۱۶۶۴	مایان علیا	۱۱۳۹	۱۱۰۵	۱۴۸۹	۱۳۸۲
پردول	۱۶۸	۱۵۴	۱۰۷	۱۱۷	نعمت اباد	۱۰۳۱	۹۸۹	۹۷۲	۹۲۶
جانقور	۴۸۱	۴۳۵	۴۷۹	۴۷۹	نوجه ده	۱۰۴۱	۱۰۱۶	۱۲۱۳	۱۱۸۴
چاوان	۸۵۲	۸۷۷	۱۲۵۲	۱۲۰۵	هرزنگ	۵۷	۵۴	۶۳	۶۸
حاج عبدال	۳۷۹	۳۷۵	۴۷۳	۴۶۴	هروی	۱۲۲۱	۱۱۷۸	۱۴۸۵	۱۳۷۶
خواجه دیزج	۸۱۱	۷۷۰	۱۰۰۵	۹۳۹	هزه‌بوران	۴۶۳	۴۹۹	۴۱۸	۴۱۶
دیزج لیلی خانی	۱۵۱۰	۱۴۵۵	۱۴۸۳	۱۳۹۲	ورنگ	۲۴۱	۲۲۹	۲۳۶	۲۳۵
زبرلو	۳۳	۴۱	۸۹	۹۰	ینگ‌کندی	۷۲۷	۶۸۴	۸۳۹	۷۵۷
زرنگ	۱۰۲۵	۱۰۱۱	۱۲۲۴	۱۱۹۱					

براساس شکل ۳ (نمودار و نقشه)، میانگین جمعیت زن و مرد در هر دو دوره بیشترین جمعیت مربوط به جمعیت مردان بوده و همچنین جمعیت مردان به نسبت جمعیت زنان بیشترین تغییرات جمعیتی را، در طی دو دوره به خود اختصاص داده است. براساس نقشه نرخ رشد جمعیت، بیشترین نرخ در بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵، در هر دو جنسیت در روستای

آناختون اتفاق افتاد. با توجه به نمودار نسبت جنسی کل از ۱۰۶ در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۸ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. امتیازات به‌دست‌آمده نشان‌دهنده‌ی افزایش تعداد مردان نسبت به زنان در بازه زمانی ده‌ساله بوده است.



شکل ۳. اطلاعات جمعیتی زنان و مردان (سال‌های ۸۵ و ۹۵)

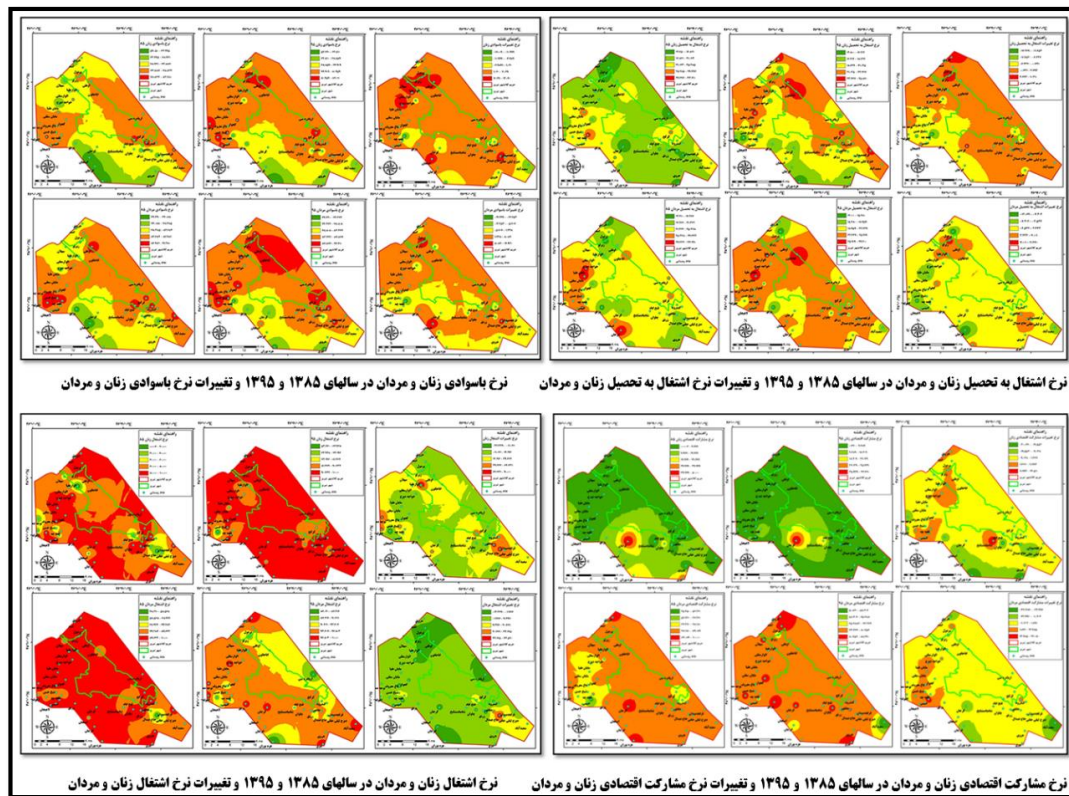
برای ارزیابی روستاهای مورد مطالعه از نظر نرخ باسوادی، نرخ اشتغال به تحصیل، نرخ اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی شکل ۴ و شکل ۵ ترسیم شده‌اند. براساس شکل ۴، نرخ باسوادی هم در جامعه مردان و هم زنان با افزایش مواجه شده‌اند، به‌طوری‌که در جامعه زنان از ۷۳/۳۵ به ۷۷/۹۷ درصد و در جامعه مردان از ۸۴/۱۷ به ۸۶/۷۸ درصد رسیده است. در شکل مذکور نرخ اشتغال به تحصیل طی بازه زمانی ۹۵-۱۳۸۵، در جامعه زنان، ۰/۰۳ درصد نزول و در جامعه مردان ۰/۲۵ درصد کاهش یافته است. همچنین، در شکل نرخ اشتغال در بازه زمانی مذکور، در جامعه مردان ۲/۱۹ درصد و در جامعه زنان ۱۹/۵۰ درصد افزایش یافته‌اند. براساس شکل ۴ نرخ مشارکت اقتصادی مردان در سال ۱۳۸۵، ۷۸/۹۳ درصد و اجتماع زنان فقط ۸/۱۰ درصد بود که در سال ۱۳۹۵، نرخ مشارکت مذکور در اجتماع مردان به ۷۷/۵۵ درصد و در اجتماع زنان به ۵/۷۸ درصد افت نموده‌اند.



شکل ۴. شاخص‌های نابرابری جنسیتی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵

براساس شکل ۵، بیشترین تغییرات مثبت در نرخ باسوادی در گروه زنان و مردان به ترتیب در روستاهای حاج عبدال و اسنجان بوده ولی بیشترین نرخ تغییرات منفی شاخص مذکور در هر دو جنسیت در روستای قلعه‌چه اتفاق افتاده است با توجه نمودن به شکل مربوطه، حداقل میزان نرخ باسوادی در جامعه زنان از ۵۹/۰۵ به ۵۶/۷۶ درصد و در جامعه مردان ۶۹/۷۹ به ۶۹/۷۴ درصد در میان روستاهای مورد مطالعه کاهش یافته‌اند که میزان کاهش صورت گرفته در جامعه زنان بیشتر بوده است. در شکل مذکور نرخ اشتغال به تحصیل بیشترین تغییرات منفی شاخص مذکور در اجتماع زنان در روستای قلعه‌چه با ۱۷/۲۷ درصد کاهش و در اجتماع مردان در روستای پردول (شهرستان شبستر) با ۱۲/۰۷ درصد کاهش روی داده که در مقابل در روستای هرزنق (شهرستان شبستر) ۱۰/۳۱ درصد افزایش در گروه زنان و در روستای زبرلو (شهرستان شبستر) با ۱۱/۷۷ درصد افزایش در گروه مردان این تغییرات مثبت در شاخص مذکور صورت گرفته است. با توجه به شکل زیر نرخ اشتغال، بیشترین تغییرات مثبت در جامعه مردان یعنی کاهش بیکاری در روستای حاج عبدال اتفاق افتاده، که در جامعه زنان در روستای الوارعلیا روی داده است. با در نظر داشتن مقدار کمینه در شکل مربوط به نرخ اشتغال در اجتماع زنان و مردان، هرچند بازه تغییرات مقدار کمینه در اجتماع زنان بیشتر از مردان بوده ولی بازهم مقدار کمینه نرخ اشتغال زنان نسبت به مردان کمتر بوده است. با بررسی شکل نرخ مشارکت اقتصادی، بیشترین تغییرات مثبت در نرخ مشارکت اقتصادی مردان در روستاهای اسپس و در اجتماع زنان روستای شادبادمشایخ بوده است. همچنین، حداکثر نرخ مشارکت اقتصادی مردان مربوط به روستای هرزنق (شهرستان شبستر)^۱ در سال ۱۳۸۵ بوده که در سال ۱۳۹۵ بیشترین امتیاز مربوط به روستای پردول (شهرستان شبستر) بوده است. لیکن بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ مربوط به روستای کرجان می‌باشد (نرخ این مشارکت در بازه ده‌ساله کاهش یافته است). همچنین با مشاهده شکل مذکور می‌توان متوجه شد که حداقل نرخ مشارکت اقتصادی مردان در هر دو دوره نزدیک به ۵۰ درصد بوده ولی این نرخ در جامعه زنان در هر دو دوره بسیار کمتر بوده است.

^۱ روستای هرزنق (واقع در شهرستان شبستر) در سال ۱۳۸۵ نرخ مشارکت اقتصادی بالای ۱۰۰ درصد را دارا بود که این می‌تواند ناشی از وجود جمعیت افراد شاغل و یا افراد به دنبال کار در بازه سنی بالای ۶۴ سال و یا زیر ۱۰ سال باشد.



شکل ۵. شاخص‌های نابرابری جنسیتی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ و تغییرات آن‌ها در جامعه زنان و مردان

چنانچه گذشت، برای طبقه‌بندی روستاهای واقع در حریم کلانشهر تبریز از منظر نابرابری‌های جنسیتی، نیاز به مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره است. برای طبقه‌بندی با مدل ویکور، نیازمند وزن‌دهی شاخص‌های موردسنجش بود که از تکنیک آنتروپی استفاده شد. براساس داده‌های به‌دست‌آمده از این مدل، شاخص نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۸۵ بیشترین وزن را به خود اختصاص داده و نرخ اشتغال مردان سال ۹۵ کمترین وزن را برخوردار بوده است (جدول ۵).

جدول ۵. وزن شاخص‌های نابرابری جنسیتی با استفاده از تکنیک آنتروپی

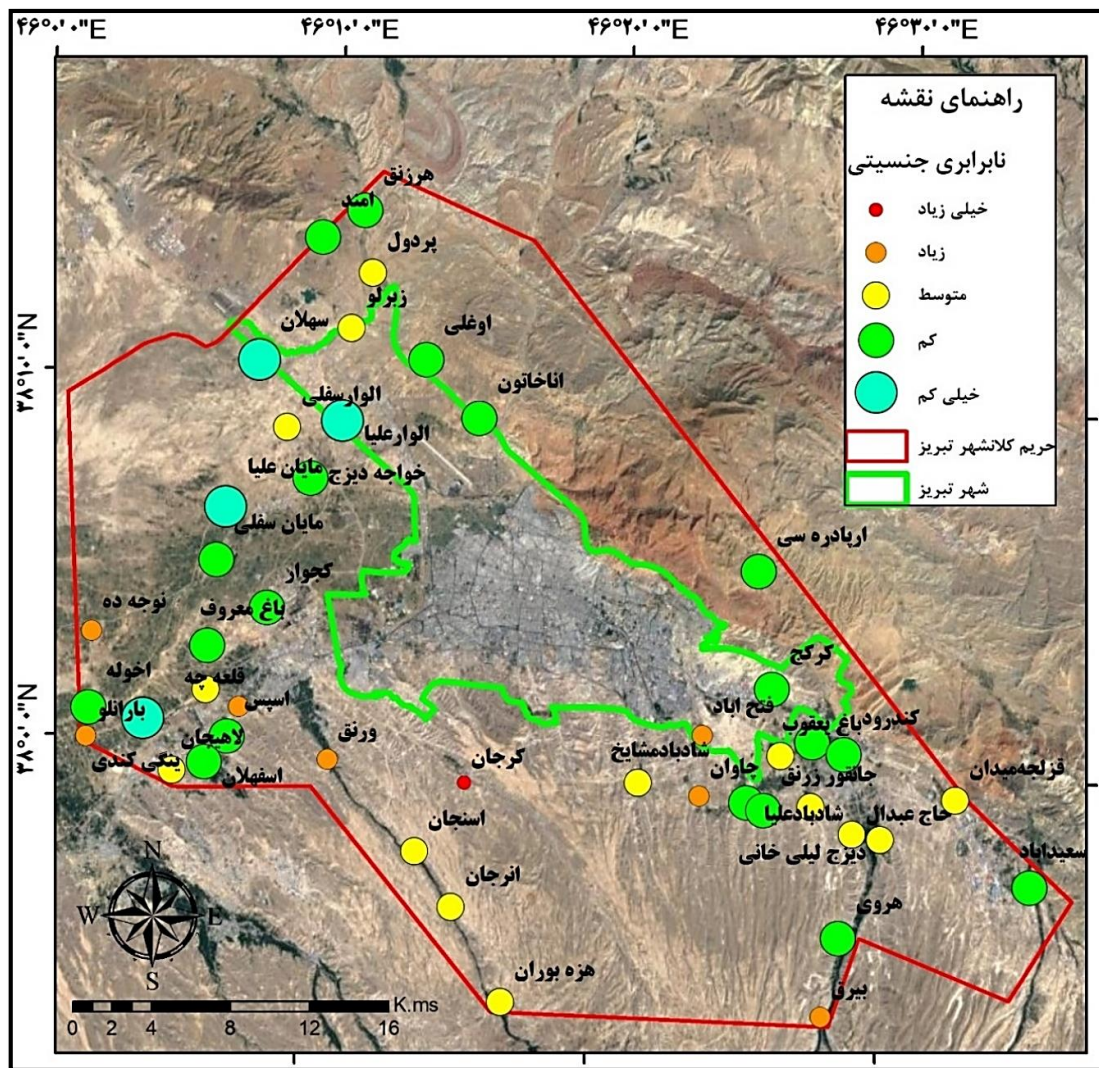
شاخص‌های نابرابری جنسیتی	نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۸۵	نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۸۵	تفاضل نرخ مشارکت اقتصادی ۸۵	نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۹۵	نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۹۵	تفاضل نرخ مشارکت اقتصادی ۹۵
وزن شاخص	۰/۰۰۳۳۸۸۹۳۶	۰/۲۴۰۳۲۲۳۵	۰/۰۳۱۴۶۶۷۳۹	۰/۰۰۱۴۵۹۳۹۴	۰/۱۹۵۹۲۸۱۲۹	۰/۰۹۹۹۷۷۵۹۹
شاخص‌های نابرابری جنسیتی	نرخ اشتغال مردان ۸۵	نرخ اشتغال زنان ۸۵	تفاضل نرخ اشتغال ۸۵	نرخ اشتغال مردان ۹۵	نرخ اشتغال زنان ۹۵	تفاضل نرخ اشتغال ۹۵
وزن شاخص	۰/۰۰۳۲۲۸۸۳۶	۰/۰۵۹۸۰۲۳۴۱	۰/۰۳۳۶۵۸۱۵۸	۰/۰۰۰۳۴۵۶۹۶	۰/۰۰۲۲۸۹۹۴۸	۰/۰۲۲۱۷۲۱۶۳
شاخص‌های نابرابری جنسیتی	نرخ اشتغال به تحصیل مرد ۸۵	نرخ اشتغال به تحصیل زن ۸۵	تفاضل نرخ اشتغال به تحصیل ۸۵	نرخ اشتغال به تحصیل مرد ۹۵	نرخ اشتغال به تحصیل زن ۹۵	تفاضل نرخ اشتغال به تحصیل ۹۵
وزن شاخص	۰/۰۰۹۶۵۵۳۵۷	۰/۰۱۱۴۷۷۳۴۲	۰/۰۵۸۵۵۶۲۶	۰/۰۰۶۳۱۶۵۳۶	۰/۰۰۶۳۵۷۳۶۸	۰/۱۰۰۸۵۵۸۸۷
شاخص‌های نابرابری جنسیتی	نرخ باسوادی مردان ۸۵	نرخ باسوادی زنان ۸۵	تفاضل نرخ باسوادی ۸۵	نرخ باسوادی مردان ۹۵	نرخ باسوادی زنان ۹۵	تفاضل نرخ باسوادی ۹۵
وزن شاخص	۰/۰۰۱۰۵۶۷۹۶	۰/۰۰۱۶۳۶۸۴۴	۰/۰۵۲۶۶۴۸۰۵	۰/۰۰۱۲۴۶۵۵۳	۰/۰۰۲۴۱۳۶۴۲	۰/۰۵۳۹۲۳۲۲۲

با توجه به وزن تخصیص یافته برای هر شاخص، با استفاده از مدل ویکور روستاهای مورد مطالعه از نظر نابرابری جنسیتی طبقه‌بندی شدند (جدول ۶). در این بین روستای الوار علیا با کسب حداقل امتیاز نسبت به سایر روستاهای مورد مطالعه دارای بیشترین میزان برابری جنسیتی بوده و بعد از روستای مذکور، روستاهای مایان علیا و سهلان دارای کمترین میزان نابرابری جنسیتی هستند. در مقابل بیشترین نابرابری جنسیتی در روستای کرجان بود. با توجه به داده‌های مورد بررسی می‌توان این گونه اذعان نمود که شرایط روستاهای مورد مطالعه عمدتاً نزدیک به هم بوده، به جز روستای کرجان که در شرایط حداقلی نسبت به سایر روستاهای مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۶. طبقه‌بندی روستاهای واقع در حریم کلانشهر تبریز از نظر نابرابری جنسیتی با استفاده از تکنیک ویکور

نام روستا	نابرابری جنسیتی	نام روستا	نابرابری جنسیتی	نام روستا	نابرابری جنسیتی
اخوله	۰/۱۷۴۴۶	پردول	۰/۲۶۷۶۲	قلعه چه	۰/۳۰۱۰۸
ارپادره سی	۰/۱۸۹۵۸	جانقور	۰/۲۸۸۲۹	کجوار	۰/۱۱۹۵۰
اسپس	۰/۱۴۷۱۱	چاوان	۰/۳۴۶۸۴	کرجان	۱/۰۰۰۰۰
اسفهلان	۰/۱۲۷۰۹	حاج عبدال	۰/۲۶۴۳۳	کرکج	۰/۱۶۹۳۷
اسنجان	۰/۲۴۱۶۱	خواجه دیزج	۰/۱۱۵۲۳	کندرود	۰/۱۷۲۹۶
الوار سفلی	۰/۲۰۶۹۸	دیزج لیلی خانی	۰/۲۸۲۰۶	لاهیجان	۰/۲۲۶۹۲
الوار علیا	۰/۰۰۰۰۰	زبرلو	۰/۲۱۱۰۲	مایان سفلی	۰/۱۹۹۷۳
امند	۰/۱۳۷۴۷	زرنق	۰/۱۲۶۵۷	مایان علیا	۰/۰۶۷۳۱
اناختون	۰/۱۴۶۶۰	سعیدآباد	۰/۱۶۲۲۱	نعمت آباد	۰/۱۷۸۲۹
انرجان	۰/۲۳۲۷۷	سهلان	۰/۰۷۳۹۴	نوجه ده	۰/۳۵۴۲۳
اوغلی	۰/۱۳۴۴۱	شادآباد علیا	۰/۱۳۹۰۵	هرزق	۰/۱۹۷۵۷
بارانلو	۰/۳۹۲۳۷	شادآبادمشایخ	۰/۲۲۸۶۲	هروی	۰/۱۲۰۳۹
باغ معروف	۰/۱۸۳۶۹	شیخ حسن	۰/۲۳۳۱۳	هزه بوران	۰/۲۵۳۲۸
باغ یعقوب	۰/۲۴۴۵۳	فتح آباد	۰/۳۱۹۶۱	ورنق	۰/۳۴۷۱۸
بیرق	۰/۳۸۵۴۰	قزلجه میدان	۰/۲۸۰۱۴	ینگگی کندی	۰/۰۸۲۷۷

شکل ۶ گویای وضعیت روستاهای مورد مطالعه در حریم کلانشهر تبریز از منظر نابرابری جنسیتی است.



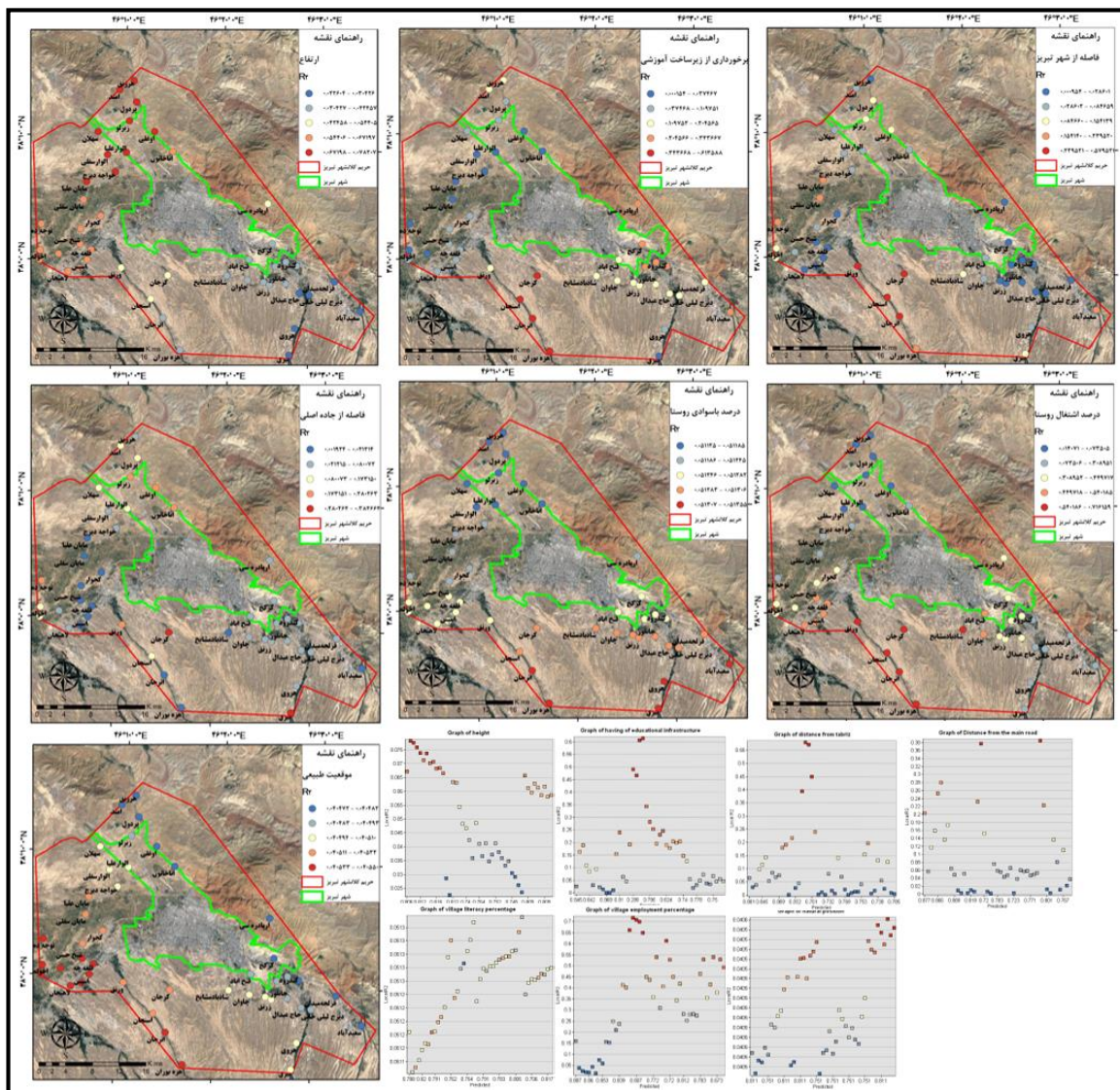
شکل ۶. طبقه‌بندی روستاهای واقع در حريم كلانشهر تبريز از نظر نابرابری جنسیتی

براساس جدول ۷، متغیر فاصله از جاده اصلی (بزرگراه/ آزادراه) بیشترین اثرگذاری را بر روی نابرابری جنسیتی داشته است. علاوه بر این شاخص به ترتیب بر خورداری از زیرساخت آموزشی، فاصله از شهر تبریز و سایر عوامل بیان شده بر روی افزایش این نابرابری‌ها تأثیر داشته‌اند. به عبارت دیگر با افزایش فاصله از جاده اصلی (بزرگراه/ آزادراه)، کاهش میزان بر خورداری از زیرساخت آموزشی و افزایش فاصله از شهر تبریز، تغییرات نابرابری جنسیتی افزایش می‌یابد. کمترین میزان ضریب تعیین مربوط به شاخص موقعیت طبیعی روستا می‌باشد.

جدول ۷. میزان تأثیر عوامل مختلف بر روی نابرابری جنسیتی

شاخص	Band width	Residual squares	Effective Number	Sigma	AICc	R ²	R ² Adjusted
ارتفاع	۳۴۳۱۲/۴۹۴	۰/۸۸۴	۲/۸۳۵	۰/۱۴۴	-۴۱/۴۳۹	۰/۰۷۵	۰/۰۳۵
برخورداری از زیرساخت آموزشی	۷۳۳۸/۳۸۷	۰/۲۹۰	۱۷/۹۲۶	۰/۱۰۳	-۵۳/۰۹۷	۰/۶۹۶	۰/۵۰۶
فاصله از شهر تبریز	۷۳۳۸/۳۸۷	۰/۲۹۵	۱۶/۰۰۰	۰/۱۰۰	-۵۷/۲۸۸	۰/۶۹۱	۰/۵۳۱
فاصله از جاده اصلی	۶۰۴۳/۰۴۵	۰/۲۷۵	۲۰/۱۹۳	۰/۱۰۵	-۴۳/۵۷۷	۰/۷۱۲	۰/۴۸۹
درصد باسوادی روستا	۴۹۲۸۱۱/۹۲۹	۰/۹۰۷	۲/۰۰۹	۰/۱۴۵	-۴۱/۳۴۵	۰/۰۵۱	۰/۰۲۹
درصد اشتغال روستا	۱۱۷۸۱/۶۳۵	۰/۳۳۷	۱۰/۷۱۹	۰/۰۹۹	-۶۸/۶۸۶	۰/۶۴۷	۰/۵۴۷
موقعیت طبیعی	۴۹۲۸۱۱/۹۲۹	۰/۹۱۸	۲/۰۰۷	۰/۱۴۶	-۴۰/۸۳۸	۰/۰۴۰	۰/۰۱۸

در شکل ۷ به بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی پرداخته شده است. بیشترین اثرگذاری از نظر شاخص ارتفاع مربوط به روستاهای ضلع شمال غربی شهر تبریز شامل روستاهای هرزق، امند، پردول (شهرستان شبستر) می باشد (میزان اثرگذاری این عامل به نسبت کم بوده و بیشترین مقدار اثرگذاری نزدیک به ۰/۰۸ بوده است). از نظر عامل برخورداری از زیرساخت آموزشی، کمترین اثرگذاری مربوط به روستاهای واقع در شمال غرب تبریز است. همانطور که در نمودار مربوطه در شکل مذکور نیز ملاحظه می شود عامل فاصله از شهر تبریز در بیشتر روستاهای مورد بررسی اثرگذاری کمی داشته ولی در روستاهای کرجان، اسنجان و انرجان بیشترین اثرگذاری را داشته که این روستاها در ضلع جنوبی شهر تبریز قرار دارند. بر خلاف عامل قبلی، عامل فاصله از جاده اصلی در روستاهای واقع در ضلع جنوب شرقی شهر تبریز، اثرگذاری بیشتری داشته اند. از نظر شاخص اشتغال روستایی، روستاهای واقع در ضلع جنوب غربی بیشترین تأثیرگذاری را به خود اختصاص داده اند (این چهار عامل جز بیشترین عوامل اثرگذار بوده اند). اثرگذاری روستاهای مورد بررسی از منظر شاخص باسوادی روستا از ضلع جنوبی به ضلع شمالی در حال کاهش هستند (همان طور که در نمودار شکل ۷ قابل مشاهده می باشد میزان اثرگذاری این عامل در بین روستاهای مورد مطالعه دارای توزیع به هم ریخته ای است) ولی از منظر شاخص موقعیت طبیعی، این طیف نزولی از ضلع شرقی به غربی بوده است. در مجموع روستاهایی که نابرابری جنسیتی در آنها نسبت به سایر روستاها بیشتر بود، در تمام شاخص های مورد بررسی به خصوص در شاخص هایی با اثرگذاری بیشتر، بیشترین ضریب تعیین (R^2) را به خود اختصاص داده اند.



شکل ۷. اثرگذاری عوامل بر روی نابرابری جنسیتی در روستاهای حریم کلانشهر تبریز

نتیجه‌گیری

در توسعه پایدار روستایی هدف جلب و توسعه مشارکت روستاییان، به‌خصوص اقشار محروم‌تر روستا، یعنی زنان هستند که در اغلب برنامه‌های پیشین توسعه به‌نوعی در حاشیه قرار گرفته‌اند. بدون شک دستیابی به اهداف توسعه پایدار محلی بدون بهره‌گیری مستمر از نیمی از پیکره‌ی جامعه محلی، یعنی زنان امری غیرممکن است. زنان در جوامع در حال توسعه نقش چشمگیری را در اقتصاد روستا ایفاء می‌کنند؛ اما شواهد فراوان حاکی از آن است که سیاست‌های توسعه به‌کاررفته در مناطق روستایی منجر به خارج شدن تعداد زیادی از زنان خصوصاً زنان تحصیل‌کرده از بازار کار روستایی شده است. همچنین، یکی از دلایلی که می‌تواند باعث حضور کم‌رنگ زنان در روند توسعه گردد، عدم درک جایگاه جنسیتی آنان می‌باشد نه ناشی از خصوصیات بیولوژیک و جنسی‌اشان. به عبارت دیگر، درک نادرست از تفاوت‌های بین زنان و مردان و اینکه چطور این تفاوت‌ها به نابرابری قدرت بین زن و مرد انجامیده است، یکی از دلایل اصلی نابرابری جنسیتی در جوامع می‌باشد. یعنی ریشه همه نابرابری‌ها در میزان درآمد، شغل، آموزش و حضور زنان در

قدرت‌های سیاسی ناشی از این نابرابری است. از سوی دیگر، در آماربرداری‌ها فعالیت زنان روستایی و نقش آنان در انجام امور گوناگون از دید آمارگیران پنهان می‌ماند؛ که لازم است آن دسته از وظایف و فعالیت زنان که بیشتر، ارزش و اهمیت اقتصادی دارد، موردتوجه قرار گرفته و نقش آن‌ها در ساختار فعالیت و درآمد خانوار روستایی ارزیابی شود تا بتوان از میزان نابرابری‌های موجود در درون جامعه روستایی کاست.

نابرابری جنسیتی در روستاها می‌تواند پیامدهای ناگواری در سطح خرد و کلان در سطح جامعه داشته باشد. با افزایش میزان باسوادی در جامعه می‌توان مقوله‌های برابری، عدالت، آزادی و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان را از طریق برنامه‌ریزی درست در سطوح مختلف آموزشی جای داد. هراندازه که بی‌عدالتی و نابرابری‌های جنسیتی در آموزش، مشارکت و اشتغال زنان روستایی افزایش یابد، توسعه روستایی نیز به همان اندازه کاهش خواهد یافت. اگر آموزش و توانمندسازی زنان در بخش‌های مختلف با اصول و قواعد صحیح صورت گیرد، می‌تواند افرادی باتجربه و با مهارت‌های موردنیاز آن جامعه تربیت نماید که علاوه بر توسعه در سطح روستایی، در تمام سطوح مختلف جامعه نیز صورت یابد. بنابراین، آموزش در بهبود مهارت‌ها و قابلیت اشتغال نقش دارد و متعاقباً منجر به «رویکرد نوآورانه» می‌شود که ظرفیت اقتصادی را با توسعه ایده‌ها و فناوری‌های جدید بهبود می‌بخشد و در نهایت، به «رویکرد انتقال دانش» منجر می‌شود. بنابراین برای دستیابی جوامع روستایی به توسعه همه‌جانبه به‌ویژه در محدوده موردبررسی، با حذف نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های جنسیتی در آموزش و اشتغال و مشارکت زنان در مناطق روستایی ضرورت دارد.

در این پژوهش نیز، با استفاده ۴ شاخص قیدشده (نرخ باسوادی، نرخ اشتغال به تحصیل، نرخ اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی)^۱ به بررسی نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان روستایی واقع در حریم کلانشهر تبریز پرداخته شد. همان‌گونه که در شاخص‌های موردبررسی مشاهده شد، هر دو جنسیت در هر یک از شاخص‌ها باهم افزایش یا کاهش پیدا کرده‌اند ولی همواره برتری محسوسی از نظر باسوادی و اشتغال برای مردان شکل گرفته که ناشی از وضعیت تاریخی نواحی روستایی بوده است. بنابراین ارقام به‌دست آمده برای هر دو جنسیت باهم برابر نبوده و در میانگین تمام شاخص‌های موردبررسی محدوده مورد مطالعه، مقادیر حاصل شده در اجتماع مردان نسبت به زنان بیشتر بوده است. به‌طوری‌که، مقادیر کمینه در نرخ باسوادی زنان طی هر دو دوره نسبت به اجتماع مردان کمتر بوده است ولی نمی‌توان انکار نمود که نرخ رشد باسوادی در جامعه‌ی زنان بیشتر مردان بود. همچنین، مقدار بیشینه نرخ اشتغال به تحصیل در هر دو جنسیت در بازه زمانی ده‌ساله کاهش داشته ولی در جامعه زنان نسبت به مردان بیشتر کاهش یافته است. به‌علاوه، میزان نرخ اشتغال در جامعه زنان بیشتر شده ولی از نظر تعداد زنان شاغل یا در جست‌وجوی کار نسبت به کل جمعیت زنان بسیار کم بوده؛ به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه بیان نمود که زنانی که خواهان اشتغال هستند کماکان در مناطق روستای کلانشهر تبریز مشغول به کار شده‌اند. این ادعای بیان شده را می‌توان با مشاهده نرخ مشارکت اقتصادی به‌دست آمده ارزیابی نمود. حال با در نظر داشتن اینکه میزان نرخ مشارکت اقتصادی بر اساس تعداد جمعیت فعال نسبت به افراد در سن کار محاسبه می‌شود، جمعیت فعال زن کمتری نسبت به جمعیت فعال مرد وجود دارد. درحالی‌که در بیشتر روستاهای اطراف کلانشهر، جمعیت زن و مرد با اندکی اختلاف تقریباً برابرند. ولی میزان نرخ مشارکت اقتصادی زنان (جز چند روستای معدود) در هر دو دوره نسبت به مردان بسیار کمتر بوده، لیکن نمی‌توان انکار نمود که وضعیت

۱ نرخ بیکاری و نرخ بی‌سوادی چون دقیقاً عکس نرخ اشتغال و نرخ باسوادی بودند؛ برای جلوگیری از بحث بیشتر، از بیان آن‌ها خودداری شد.

بررسی شده مردان و زنان در میزان باسوادی تا حد زیادی در بازه زمانی مذکور به هم نزدیک شده، اما هنوز هم باهم برابر نیستند (با در نظر داشتن نرخ اشتغال به تحصیل و نرخ مشارکت اقتصادی). زنان به‌طور متوسط در تمام شاخص‌های موردبررسی نسبت به مردان در جایگاه پایین‌تری قرار گرفته بودند. براساس طبقه‌بندی صورت گرفته در روستاهای مورد مطالعه بیشتر روستاها از نظر برابری جنسیتی در شرایط تقریباً مناسبی قرار داشتند ولی روستای کرجان با حداکثر اختلاف نسبت به سایر روستاهای موردبررسی در شرایط نامناسبی قرار گرفته بود. درست است که مقادیر به‌دست آمده از نتایج تکنیک‌ها نشان‌دهنده برابری نسبی جنسیتی در روستاها بوده ولی این شرایط سنجیده شده با توجه شرایط و امکانات این محدوده موردبررسی قرار گرفته و ممکن است اگر روستاهای موردبررسی را نسبت به یک روستایی با شرایط کاملاً برابر از نظر جنسیتی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد (شرایط ایده‌آل)، شرایط آن چنان که به‌دست آمده، نباشد.

با توجه به بررسی انجام شده، از بین ۷ عامل بیان شده، ۴ عامل بیشترین اثرگذاری را بر روی نابرابری جنسیتی داشته‌اند. این عوامل به ترتیب شامل فاصله از جاده اصلی، برخورداری از زیرساخت آموزشی، فاصله از شهر تبریز و درصد اشتغال روستا بوده و ۳ عامل دیگر تأثیر کمتری بر روی متغیر مذکور دارند. شاخص درصد باسواد روستا یکی از این شاخص‌ها است. یکی از دلایل پایین بودن میزان تأثیرگذاری آن می‌تواند به علت بالا بودن تعداد باسوادان در تمام روستاهای موردبررسی باشد. همچنین، دو شاخص موقعیت طبیعی و ارتفاع به علت شرایط نزدیک در روستاهای مورد مطالعه، به‌جز چند مورد از روستاها که کمی شرایط متفاوتی داشتند، می‌تواند یکی از دلایلی باشد که این عوامل تأثیر کمتری بر روی نابرابری داشته‌اند. با این حال، نتایج و آمار به‌دست آمده نشان‌دهنده این است که آموزش، مشارکت و اشتغال زنان روستایی در روستاهای واقع در حریم کلانشهر تبریز کمتر بوده و در جهت حرکت به سمت عدالت جنسیتی نیاز به یکسری اصلاحات و دستورالعمل‌هایی در این جوامع می‌باشد تا بتوان علاوه بر توانمندسازی زنان، کاهش نابرابری جنسیتی در سطح اشتغال، کمک به آینده فرزندان برای آموزش بهتر و هموار کردن مسیر توسعه، بالأخص توسعه جوامع روستایی را سبب شد. همچنین می‌توان برخی از عوامل اثرگذار که می‌تواند باعث کاهش این نابرابری‌ها شود را شناسایی نمود تا بتوان شرایط بهتری را از منظر برابر بودن جنسیتی فراهم نمود. در زیر پیشنهادهایی که می‌تواند در بهبود وضعیت این جوامع تأثیرگذار باشد، بیان شده است:

- تلاش برای تشویق زنان جهت اشتغال؛
- گسترش مراکز تخصصی جهت آموزش فنی و حرفه‌ای زنان و تکمیل نمودن زیرساخت‌های آموزشی (از جمله مدارس راهنمایی و دبیرستان)؛
- ارائه روشی برای گنجاندن فعالیت و اشتغال پنهان زنان روستایی در میان تعاریف فعالیت‌های اقتصادی؛
- ایجاد زمینه‌های مساعد برای تعلیم و تربیت زنان متناسب با نیازهای جامعه و هماهنگ با ویژگی‌های زنان؛
- کاهش شکاف دانش، اطلاعات و آگاهی بین زنان و مردان با ارائه برنامه‌های آموزشی؛
- فرهنگ‌سازی برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و تلاش در مشارکت دادن هر چه بیشتر آنان در فعالیت‌های مختلف جهت تبادل و افزایش دانش و اطلاعات؛
- ارائه اطلاعات به‌روز بازار به‌منظور رفع مشکلات زنان شاغل در دسترسی به بازار و یافتن تأمین‌کنندگان مناسب؛
- ایجاد فضای لازم برای اشتغال زنان جهت پیوستن به شبکه‌های کسب و کار، بازاریابی محصولات و ... و

- ایجاد شرایط حمل و نقل مناسب جهت دریافت خدمات در مراکز شهری و اشتغال زنان تحصیل کرده در بخش‌های مختلف خصوصی و دولتی.

منابع

- احمدزاده نغده، سحر. ۱۴۰۰. اثرات تغییر کاربری اراضی بر خدمات اکوسیستمی نواحی روستایی در طی سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۹۸ (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تبریز). به راهنمایی دکتر محسن آقاباری‌هیر. کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- باستانی، سوسن و خسروی دهقی، کوثر. ۱۳۹۸. موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری بر مبنای عدالت جنسیتی. مسائل اجتماعی ایران. دوره ۱۰، شماره ۲. صص ۲۹-۵۷.
- بخارایی، احمد و یزدخواستی، بهجت. ۱۳۹۳. بررسی مقایسه‌ای: موانع فرهنگی تحقق عدالت جنسیتی مطالعه موردی: زنان متأهل شهر تهران در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۳، شماره ۴. صص ۵۵۹-۵۸۳.
- برومند، مریم و رضایی، سولماز. ۱۳۹۵. ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی نمونه موردی: بوستان مادر آزادگان، منطقه ۱۵ شهر تهران. پژوهش‌نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۷، شماره ۱۶. صص ۴۵-۶۱.
- بزی، خدارحم، رئیسی، اسلام. ۱۳۹۱. ارزیابی جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی و کشاورزی ایران. همایش ملی توسعه روستایی. رشت. صص ۱-۱۷.
- جامعی، مزده، موسوی بایگی، محمد و بنایان‌اول، محمد. ۱۳۹۳. اعتبارسنجی برآوردهای بارندگی روزانه شبکه APHRODIT و برآوردهای حاصل از درون‌یابی مکانی بارندگی در استان خوزستان. نشریه آب‌و‌خاک علوم و صنایع کشاورزی. دوره ۲۸، شماره ۳. صص ۶۲۶-۶۳۸.
- جعفری‌نیا، غلامرضا. ۱۳۹۸. بررسی روابط بین عدالت اجتماعی و جنسیتی با نگرش زنان بوشهری به مردم‌سالاری. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. دوره ۲، شماره ۱. صص ۱۱۷-۱۴۶.
- جوادی، مریم، هرنیدی، فاطمه و فلاح محسن‌خانی، زهره. ۱۳۹۲. تحلیل جنسیتی ثبات اشتغال در ایران. مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران. دوره ۲۴، شماره ۱. صص ۸۷-۱۰۷.
- حاجیلو، فتانه و دادورخانی، فضیله. ۱۳۸۷. بررسی تأثیر نگرش مردان بر ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). فصلنامه توسعه و روستا. دوره ۱۱، شماره ۱. صص ۱-۱۵۱.
- حیدری، فریبا. ۱۳۹۷. نقش و مشارکت زنان در توسعه پایدار. پژوهشنامه حقوق بشری (صیانت از حقوق زنان سابق). سال ۳، شماره ۱۱. صص ۹۹-۱۱۵.
- خانی، فضیله. ۱۳۸۹. چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری‌های جنسیتی در جهان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۸، شماره ۳. صص ۷-۳۰.
- خسروی‌پور، بهمن و فروشانی، ناهید. ۱۳۹۰. مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی. نشریه کار و جامعه. شماره ۱۳۲، ۱۳۳. صص ۵۶-۶۸.
- رضایی، مهرانگیز. ۱۴۰۰. بررسی تغییرات فضایی-زمانی شاخص اشتغال زنان در نواحی روستایی استان اصفهان (۱۳۷۵-۱۳۹۰). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۵۳، شماره ۳. صص ۱۱۱۹-۱۱۰۳.

- زبیدی، حیدر، امامی، کریم، محمدی، تیمور وغفاری، فرهاد. ۱۴۰۰. شکاف جنسیتی دستمزد و پویایی‌های آن در بازار کار ایران. فصلنامه نظریه‌های کاربرد اقتصاد. دوره ۸، شماره ۳. صص ۸۵-۱۱۲.
- سالکی‌ملکی، محمدعلی. ۱۴۰۱. ارزیابی فضایی و بخش‌بندی بازار گردشگری شهری با رویکرد گردشگری پست‌مدرن مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز. به راهنمایی دکتر شهرپور روستایی. دکتری تخصصی. دانشگاه تبریز.
- صادقلو، طاهره، خوب، شادی و صاحبی، شیرین. ۱۳۹۹. بررسی تأثیرات جنسیتی بر میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران). زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۸، شماره ۱. صص ۲۳-۵۳.
- صالحی، حمید، معتمدی، محمد و مافی، عزت‌الله. ۱۴۰۰. اعتبارسنجی روش‌های درون‌یابی دمای فصل تابستان در شمال شرق ایران. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. دوره ۲۱، شماره ۶۱. صص ۳۵۱-۳۶۹.
- طاهونی، مهدیه. ۱۴۰۱. تحلیل‌های بازآفرینی محلات تاریخی - فرهنگی با رویکرد پایداری مطالعه موردی: محلات شهری بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز. به راهنمایی دکتر رسول قربانی. دکتری تخصصی. دانشگاه تبریز.
- عزیزی، مینا. (۱۳۹۹). مقایسه احساس نابرابری جنسیتی در میان اساتید زن دانشکده‌های فنی و علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران. انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عطارزاده، مجتبی. ۱۳۸۸. عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). دوره ۱۲، شماره ۴۶. صص ۲۲۵-۲۶۶.
- فال سلیمان، محمود و حجتی‌پور، محمد. ۱۳۹۲. واکاوی نقش زنان در توسعه محلی پایدار، رویکردی زیست‌شناختی در احیاء منابع زیست‌محیطی (مورد: تجربیات پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در استان خراسان جنوبی). مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. دوره ۱۱، شماره ۳. صص ۲۷-۵۲.
- قاسمی، ابراهیم و جمالو، رقیه. ۱۳۹۸. بررسی عدالت جنسیتی و تأثیر آن بر اشتغال زنان. مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده. دوره ۲، شماره ۳. صص ۷۷-۹۷.
- کشوری، آتنا و مرزبان، افشین. ۱۳۹۸. ارزیابی روش‌های درون‌یابی در پهنه‌بندی مکانی به توان در کشاورزی استان خوزستان. جغرافیا و توسعه. دوره ۱۷، شماره ۵۵. صص ۶۳-۸۶.
- ماجدی، حمید، عندلیب، علیرضا و مشارزاده مهرابی، زهرا. ۱۳۹۴. شناسایی شاخص‌های مؤثر بر مشارکت زنان در طرح‌های توسعه شهری. باغ نظر. دوره ۱۲، شماره ۳۲. صص ۳-۱۲.
- محمدی‌ترکمانی، حجت. ۱۴۰۱. تحلیلی بر زمینه‌های ساختاری رانت در سازمان مدیریت شهری ایران؛ مطالعه موردی شهرداری شهر تبریز. به راهنمایی دکتر اکبر اصغری‌زمانی. دکتری تخصصی. دانشگاه تبریز.
- مظفری، افسانه. ۱۳۹۴. نقش رسانه‌های جمعی در توسعه پایدار با رویکرد توانمندسازی زنان. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۷، شماره ۳. صص ۱۲۳-۱۳۷.
- میروسی‌نیک، صادق. ۱۳۹۴. توسعه انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت‌آمارتپاسن. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۷، شماره ۴. صص ۴۷-۷۲.
- نشر مرکز آمار ایران. ۱۴۰۰. سالنامه آماری استان آذربایجان شرقی.
- Akintunde, Yusef. Wasiu. & Othman, Farida. Suleiman. 2023. Does Gender Inequality Affect Economic Growth? IJRDO. Journal of Business Management. Vol. 7. Issue. 6. PP. 1-10.
- Akurugu, Constance Awinpoka., Jatoo, Mathias Mwinlabagna, & Domapielle, Maximillian Kolbe. 2021. Empowering rural women for sustainable development through the provision of water infrastructure in north-western Ghana. World Development Perspectives. Vol. 21. 100287. PP. 1-10.

- Badriah, Lilis. Siti. & Istiqomah, I. 2022. **Does Gender Inequality Lead to Income Inequality? Evidence from Indonesia**. Ekuilibrium: Jurnal Ilmiah Bidang Ilmu Ekonomi. Vol. 17. No. 1. PP. 1-13.
- Chornodon, Myroslava. Shevchenko, Nataliia. Fesenko, Galyna. Klymenko, Oksana. Dragan-Ivanets, Nataliya. & Zozulia, Nataliia. 2022. **The Problem of Gender Inequality in Periodicals Today**. Postmodern Openings. Vol. 13. No. 3. 122-133.
- Dang, Van. Thac. & Dang, Wilson. V.T. 2019. **Multi-criteria decision-making in the evaluation of environmental quality of OECD countries: the entropy weight and VIKOR methods**. International Journal of Ethics and Systems. Vol.36. Issue. 1. PP. 119-130.
- Daraz, Umer. Ahmad, Akhlaq. & Bilal, Muhammad. 2018. **Gender Inequality in Education: An Analysis of Socio-Cultural Factors and Impacts on the Economic Development of Malakand, Pakistan**. Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ). Vol. 2. No. 2. PP. 50-58.
- Gurieva, Svetlana. D., Kazantseva, Tatiana. V., Mararitsa, Larisa. V., & Gundelakh, Olga. E. 2022. **Social Perceptions of gender Differences and the subjective significance of the gender inequality issue**. Social psychology. Vol. 15. Issue. 2 .PP. 65- 82.
- Handaragama, S., rathnayake, H., Uluwaduge, P. 2013. **Womens Economic participation in Rural Development**. International Journal of Education and research. Vol. 1. No. 8. PP. 1-18.
- Keyghobadi, Melika. 2023. **An Analysis of Socio-Cultural Factors Affecting Gender Inequality with a Role in Mental Health**. Journal of Pharmaceutical. Vol. 14. Issue. 3. PP. 2960-2972.
- Kim, Seh. Young. 2021. **Determining critical factors of gender inequality: Evidence from 34 OECD and non-OECD countries**. World Development Perspectives. Vol. 21. Issue. C. PP. 1-9.
- Kim, Seh. Young. 2022. **Analyzing the impacts of informal institutional factors affecting gender inequality: Evidence from 43 countries**. World Development Perspectives. Vol. 28. Issue. C.
- Krishna, Munuswamy. Kumar, Sathuvachari. Devarajan. Ezilarasan, Chakaravarthy. Sudarsan, Perumalsamy. Vishnu. Anandan, Viswanathan. Palani, Sivaprakasam. & Jayaseelan, Veerasundram. 2022. **Application of MOORA & COPRAS integrated with entropy method for multi-criteria decision making in dry turning process of Nimonic C263**. Manufacturing Review. Vol. 9. No. 20. PP. 1-10.
- Mahrouzadeh, Tayebbeh. 2019. **Tertiary Education of Women in Islamic Countries (OIC) and the Status of Balanced Approach**. Iranian Journal of Comparative Education. Vol. 2. Issue. 1. PP. 23-39.
- Mani, Suma. & Antony Raj, Maria. 2023. **Role of families in normalizing gender inequalities .Education and Society**. Vol. 47. Issue. 1. No. 12. PP. 199- 206 .
- Mukhamedova, Nozilakhon. & Wegerich, Kai. 2018. **The feminization of agriculture in post-Soviet Tajikistan**. Journal of Rural Studies. Vol. 57. PP. 128-139.
- Ponthieux, Sophie. & Meurs, Dominique. 2015. **Gender inequality**. In Handbook of income distribution. Vol. 2. PP. 981-1146 .Elsevier.
- Rietveld, A.M. (Anne), van der Burg, M. (Margreet), Groot, J.C.J. (Jeroen). 2020. **Bridging youth and gender studies to analyse rural young women and men's livelihood pathways in Central Uganda**. Journal of Rural Studies. Vol. 75. PP. 152-163.
- Singh, Shree Priya., Singh, Pushpendra. & Komaraiah, Jadi Bala. 2023. **Gender discrimination and inequalities in education expenditure in India**. International Journal of Social Economics .Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. PP. 1-18.
- Vaid, Sanjay. Kumar. Vaid, Gopal. Kaur, Swapandeep. Kumar, Raman. & Sidhu, Manpreet. Singh. 2022. **Application of multi-criteria decision-making theory with VIKOR-WASPAS-Entropy methods: A case study of silent Genset**. Materials Today: Proceedings. Vol. 50. Part. 5. PP. 2416-2423.
- Vasconcellos, Mario. & Vasconcellos, Ana Maria. 2009. **Partnership, empowerment and local development**. Interações (Campo Grande). Vol. 10. No. 2. PP. 133-148.
- Waltz, Amber. 2016. **The women who feed us: Gender empowerment (or lack thereof) in rural Southern Brazil**. Journal of rural studies. Vol. 47. PP. 31-40.
- Zajda, Joseph. 2022. **Discourses of Gender Inequality in Education. In Discourses of Globalisation and Education Reforms: Overcoming Discrimination**. PP. 45-58. Cham: Springer International Publishing.

- Zhao, Tianying. 2022. **What are the Causes of Gender Inequality in Education in China?** The 3rd International Conference on Educational Innovation and Philosophical Inquiries. USA. PP. 831-837.